



انتشارات

۳۴

تحلیلی پیرامون

# دانشگاه قبل و بعد از انقلاب

- \* حرکت اسلامی در دانشگاه و نقش آن در مبارزات ملت
- \* نقش دانشگاه در پیروزی انقلاب اسلامی ایران
- \* انحراف پس از پیروزی، تعطیلی سه ساله، مشکلات و راه حل‌ها



نهضت آزادی ایران

تحلیلی پیرامون

دانشگاه قبل و بعد از

انقلاب

نهضت آزادی ایران

## فهرست مطالب

### مقدمه

#### ۱- دانشگاه از آغاز تاسیس تا پیروزی انقلاب

##### ۱ ۱- جریانهای فکری

##### حرکت مارکسیستی

##### حرکت ملی

##### حرکت نوین اسلامی

#### ۲ ۱- تشکیل اولین انجمنهای اسلامی دانشجویی

#### ۲ ۱- نقش ضد استبدادی - استعماری دانشگاه پس از کودتای ۲۸ مرداد

#### ۴ ۱- تشکیل انجمنهای اسلامی

##### انجمن اسلامی مهندسين

##### انجمن اسلامی پزشکان

##### انجمن اسلامی معلمان

##### انجمن اسلامی بانوان

#### اولین کنگره انجمنهای اسلامی

#### ۵ ۱- مبارزات خارج از کشور

#### ۶ ۱- پیوند دو جریان اسلامی

۷-۱. آغاز مبارزات مخفی و نقش دانشگاه در پیروزی انقلاب

۲- دانشگاه پس از پیروزی انقلاب

۱-۲. دانشگاه در بدو پیروزی

۲-۲. انقلاب فرهنگی

۳-۲. انقلاب آموزشی

۳- راه حل مسایل دانشگاه‌ها

۱-۳. دانشگاه علم و دین

۲-۳. دانشگاه و آزادی

۲-۳. انتخاب دانشجو

۴-۳. انتخاب استاد

۵-۳. مدیریت دانشگاه‌ها

جمع بندی

## بسمه تعالی

### مقدمه

یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات

والله بما تعملون خبیر<sup>1</sup>

دانشگاه در اکثر کشورها و جوامع محیطی ارزشمند شناخته می شود که نقشی

موثر و تعیین کننده در آینده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور دارد

با پیشرفت روز افزون علوم و پیدایش تکنولوژیهای جدید و نقش آن در تعیین موقعیت

منزلت جوامع در جهان کنونی، لزوم توجه و بسط این مرکز فرهنگی به عنوان یکی از

ارکان ترقی کشورها همیشه مورد نظر دولتها و ملتها بوده است

رشد و شکوفائی هر کشور مآلا به چگونگی برخورداری آن جامعه از علوم جدید و

سرعت گیری آن در این زمینه وابسته است و آنچه حصول این برخوردها را ممکن

می سازد وجود مراکز علمی قوی، پربا رو پیشرفته است اهمیت بکارگیری

تکنولوژیهای جدید در سیاست کلی حاکم بر دنیای امروز بخصوص در مسابقه جهانی

کسب قدرت آنچنان نقش حیاتی را ایفا می کند که کسب رفاه مادی و حل معضلات

بشری در شناخت مجهولات و ارضاء حس کنجکاوی انسان را تحت الشعاع خود قرار

داده است

در کشورهای رشد نیافته یا جهان سوم که درصد قابل ملاحظه ای از مردم از سواد و فرهنگ کافی بی بهره اند نقش و رسالت دانشگاه و دانشگاهیان بمراتب با اهمیت تر و سنگینتر است چرا که این قشر درصد کمی از جمعیت را تشکیل میدهند که علیرغم کمی عده و عده می بایستی برای رشد و شکوفائی جامعه شان و رسیدن به مرزهایی از ترقی و تکامل گام بردارند به همین دلیل است که قدرت های استیلاگر برای نفوذ و بسط سلطه خود در اینگونه کشورها، جذب این قشر را در سرلوحه برنامه های خود قرار می دهند و از شیوه های مختلف برای وابستگی فرهنگی استفاده می نمایند

موقعیت ویژه و استثنائی کشور ما نیز همیشه باعث جلب توجه و نظر این قدرتها و تلاش گسترده آنان برای نفوذ فرهنگی و به انحراف کشانیدن و وابسته کردن قشرهای تحصیل کرده بوده است

اما همواره علیرغم اشتیاق و طمع بیگانگان، کوشش، تلاش و شهامت دانشگاهیان موجب شده است که جریان کلی حاکم بر دانشگاه مسیری مثبت را طی کرده و در مقابل انحرافها و خود باختگیهایی که گهگاه بروز مینموده در راه رشد و ترقی به پیش رود همین گرایش مثبت بود که نهایتاً منشاء اثرات انکار ناپذیری در بثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران گشت

پیروزی انقلاب اسلامی باعث تحولات گسترده ای در سراسر جامعه و بویژه دانشگاهها شد از روزهای اول انقلاب سوء استفاده از جو آزاد حاکم بر جامعه و

دانشگاه‌ها شد از روزهای اول انقلاب سوء استفاده از جو آزاد حاکم بر جامعه و دانشگاه باعث افراط و چپ‌روی‌هایی شد که رفته رفته زمینه و بهانه مناسبی را برای سوء استفاده انحصارگران آماده ساخت بستن درهای دانشگاه و تعطیل کلاسها یکی از پیامدهای تاسف بار این روند بود بمنظور توجیه این عمل و همچنین حذف روشنفکران مذهبی برخاسته از جریان دانشگاه از صحنه سیاسی مملکت کوشش گسترده ای جهت تحریف و محو همه سوابق مثبت و طرح تنها نقاط ضعف دانشگاه در منابع و رسانه‌های گروهی رواج یافت

متأسفانه این جریان عملاً باعث شد که ارتباط نسل فعلی دانشگاهی با گذشته خود قطع گشته و موجبات بی تفاوتی و سرخوردگی آنان فراهم شود

مقابله با خطر چنین جوی ما را بر آنان داشت تا سیار حرکت دانشگاه را هر چند به اجمال بازگو نمایم و همچنین بطور خلاصه به ذکر مشکلات و مسائل دانشگاهی پس از پیروزی انقلاب و علل آنها پردازیم امیدواریم این تلاش در جهت آگاهی دانشگاهیان و بویژه دانشجویان عزیز موثر افتد

بیشك دریافت نظرات و پیشنهادات و انتقادات در این زمینه مورد تقدیر و تشکر

خواهد بود

نرفع

درجات

من تشاء

و فوق

کل ذی

علم

علیم<sup>2</sup>

نهضت

آزادی

ایران

اردیبه

شت

۱۳۶۳

۱ دانشگاه از آغاز تاسیس تا پیروزی انقلاب

۱/۱ جریان‌های فکری

سال ۱۳۱۷ سال کاشته شدن بذر دانشگاه در زمین آفت زده ایران بود، بذری که

بعدها با وجود بسیاری از موانع در عمق خاک ایران ریشه دواند و بارها بنیان طغیانگران

را به لرزه درآورد



اگر چه با گشایش درهای دانشگاه، جوانان تشنه و مستعد به دریای بیکران علم و آگاهی راه بردند اما از ابتدای امر، و در خلاء فکری موجود آنزمان، هجوم گرایشهای مختلف، راهنما و سوق دهنده دانشجویان به مسیرهای گوناگون بود طیفی از افکار روشنفکران که غرب را سر مشق و الگو قرار داده بودند تا مارکسیسم، در اذهان و اندیشه‌ها بآرامی شکل گرفت و رفته رفته ۳ جریان اصلی در روند حرکت‌های دانشجویی بنیان گذاشت

### ۱ حرکت مارکسیستی ۲ حرکت ملی ۳ حرکت اسلامی

علاوه بر آن تا قبل از شهریور بیست به مرور زمان نوعی تفکر که حاکم از انفکاک دین و دنیا به طور کلی و دین و سیاست بطور خاص بود جای خود را در اذهان محکم ساخت و با پیشرفت ، رشد و مطرح شدن مسائل علمی و دانشگاهی در اجتماع ۳ نوع عکس العمل بوجود آورد تفکر اول نوعی خود باختگی در مقابل فرهنگ بیگانه و نفی هر نوع ارزشهای بومی بود، جریان دوم با حربه طرد و نفی کلی و همه جانبه علم و تفکر وارداتی غرب به میدان مبارزه با آن درآمد و جریان سوم به خود باختگی و طرد مطلق علوم و نظریات مختلف ایمان نداشته، معتقد بود که تضادی بین علم و دین وجود ندارد و این همان تفکر اسلامی جریان دانشگاه است

### حرکت مارکسیستی

حرکت مارکسیستی پس از تشکیل حزب توده تبلیغات و فعالیت های سیاسی آن در دانشگاه آغاز شد، بصورتیکه دانشگاه را مرکز مبارزات سیاسی ساخت، \* سازمان

دانشجویان دانشگاه تهران در حقیقت اولین سازمان موجود در دانشگاه بود که با  
مشی سیاسی و با فعالیتهای توده ایها بنیان گذاری شد و نشریه ای به نام دانشجو  
انتشار یافت که تا ۲۸ مرداد ۲۲ نیز منتشر می شد

## حرکت ملی

با گذشت زمان و بدنبال حرکتهای مارکسیستی، فعالیتهای ملیون در دانشگاه آغاز  
شد در آنزمان بسیاری از همکاران دکتر مصدق در سمت استادی دانشگاه همکاری و  
همگامی چنین نهضتی را عهده دار بودند انتخابات دوره های ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ در حقیقت  
مصادف با سالهای اوج گیری حرکت ملی در دانشگاه تهران بود در این سالها، خصوصا  
در سال ۱۳۳۰، حرکت ملی در دو محور مبارزه با هیئت حاکمه و توده ایها پیش  
می رفت در انتخابات سازمان دانشجویان همان سال، ابتدا در دانشکده فنی ملیون  
گوی سبقت را از توده ایها ربودند و سپس بتدریج در دانشگاه علوم و سایر دانش کدهها  
این موفقیت تکرار شد این تحولات باعث شد که در سال ۳۰ به مرور دو سازمان  
دانشجویی با دو منش سیاسی در دانشگاه تهران به وجود آید، یکی از آنها سازمان  
دانشجویان دانشگاه تهران با مرام و ایدئولوژی مارکسیستی وابسته به حزب توده ایران  
و دیگری سازمان صنفی دانشجویان دانشگاه تهران که مرکز تجمع و کار مشترک  
سیاسی همه نیروهای ملی با اندیشه های اسلامی و غیر اسلامی اعم از منفردین  
یا احزاب ملی نظیر حزب ایران، پان ایرانیسم جمعیت مردم ایران و زحمتکشان ملت  
ایران نیروی سوم تبلیغ و فعالیتهایی نظیر انتشار روزنامه ارگان بنام دانشجویان،

خرید و توزیع اوراق قرضه ملی و سازماندهی تظاهرات ۳۰ تیر، حمایت از دولت ملی  
دکتر مصدق و همگامی با مبارزات مردم از جمله فعالیتهای این سازمان دانشجویی  
بوده است

### حرکت نوین اسلامی

در این میان خلاء حرکتی بر مبنای تعالیم نجات بخش اسلام بیش از پیش حس  
می شد، حرکتی که غبار این راه را زدوده و حامل رسالت واقعی دانشگاه و نسل جوان  
و تحصیل کرده باشد، حرکتی که در مقابل گرایشها و مکاتب مختلف با استفاده از  
غناي فرهنگ اسلامی تاب مقاومت آورده جوانان را جوابگو و اقناع کننده باشد و از آن  
گذشته هم جو مسموم الحادی و ضد مذهبی و هم جو اعتقادات خرافی و ارتجاعی  
غیر اسلامی را در هم شکسته و طرحی نو در اندازد در چنین شرایطی شهباهایی در  
دل تاریکی درخشید و سیمای این راه را روشن ساخت و حرکت نوین اسلامی در بعد  
فرهنگی \_ عقیدتی شکل گرفت

### ۲/۱ تشکیل اولین انجمن های اسلامی دانشجویی

سال ۱۳۲۱ سال تولد اولین انجمن اسلامی دانشجویان در دانشگاه پزشکی  
تهران بود

انگیزه و هدف تاسیس آن، بگفته موسسین، مبارزه و دفاع بود مبارزه برای قطع دو  
دست که تبلیغات دانشگاه را با جدیت در اختیار داشتند توده ایها و بهائیه این بذر

کاشته شده نیز به زودی در تمام دانشکده‌های تهران سر از خاک بر آورده و علیرغم موانع و کمبودها ریشه دواند و رشد کرد. اهداف این انجمن باستناد اساسنامه آن در ۴ ماده به شرح زیر اعلام شد

۱ اصلاح جامعه بر طبق دستورات اسلام

۲ کوشش در ایجاد دوستی و اتحاد بین افراد مسلمان

مخصوصاً جوانان روشنفکر

۳ انتشار حقایق اسلامی بوسیله ایجاد موسسه تبلیغاتی و

نشر مطبوعات

۴ مبارزه با خرافات

در مقدمه اساسنامه انجمن اسلامی دانشجویان تهران که بعدها انتشار یافت

چنین آمده است

با اعتقاد به اصل توحید و تعلیمات عالیّه اسلامی و کتاب آسمانی قرآن و توجه به تجارب تاریخی، گروهی از جوانان که نابسامانی و تیره روزی خود و خانواده و اجتماع خویش را در عدم اجرای احکام اسلامی می دانند برای تامین روابط عادلانه و استقرار قوانین اسلامی و تحقق مبانی دینی انجمن اسلامی دانشجویان را بوجود آورده اند برای آنکه همه افراد حق طلب و آزاده و جوانان متدین و معتقد ما بتوانند در پناه چنین طرز فکری با

منطق محکم و علمی قرآن آشنا شده و برای ساختمان دنیای  
سعادت‌مند فردا استعداد و لیاقت و مساعی خود را بکار اندازد  
اساسنامه انجمن در چهار فصل و ۴۳ ماده و ۱۶ تبصره اصول  
تشکیلات خود را تعیین و دستگاه منظمی را برای تقسیم کار ثمر  
بخشی پیش بینی کرده است

اتصال دو حلقه دانشجویان مومن، معتقد و مصمم و استادان و معلمان برجسته و  
متقی، سدی پولادین میساخت که جوانان را در رودرروئی با گرایشهای انحرافی مصون  
و چهره واقعی و اصیل اسلام را از پس صورتها و نقابها نمایان می ساخت نقش علما و  
استادانی نظیر آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر سجایی در شکل گیری  
حرکتهای فرهنگی دانشجویان، اساسی و سرنوشت ساز بود، نوشته‌ها و تفاسیر آیت  
الله طالقانی در مجله دانش آموز در سالهای قبل از تشکیل انجمنهای اسلامی و  
تفسیر قرآن در کانون اسلام و مسجد هدایت راهگشا و روشنگر بسیاری از جوانان بود  
کلام طالقانی که از سرچشمه قرآن پرتو زیبایی گرفته بود مشعلی فروزنده در  
گذرگاههای تاریک و وهشتناک اجتماع در آن دوره بود این انتظار و اصرار و پیگیری  
طالقانی در آموزش قرآن حتی در حوزه‌های علمیه متروک بود

چنانچه در مجله دانش آموز شماره يك سال هفتم که در آبان ۱۳۲۰ چاپ شد  
طالقانی، همواره یاد آور این نکته بود که فاذا التبت علیکم الفتن كقطع اللیل

انعکاس این پیام که خود لوحه ای فراراه جوانان ق. رار داشت درگذشت سالها در

گوش توده های مختلف طنین انداخت، پرده های ضخیم و تارهای کهن صدها سال  
جهالت را کنارزد و قرآن را از روی طاقچه ها و سفره های عقد به میان توده ها آورد  
گفته شهید عارف دکتر چمران که خود از شاگردان طالقانی و مکتب هدایت بود

او برای ما منبع جوشانی از ایمان و ابر پر باری از رحمت و

محبت بود بخصوص که ما از او وحشت نداشتیم زیرا به محبت بی

پایانش ایمان داشتیم و از او خجالت نمی کشیدیم و هر حرفی را و

هر مشکلی را با او مطرح می کردیم و او ستار العیوب بود<sup>4</sup>

اقبال دانشجویان به استاد ان و علمای مترقی و نویسندگان گامی موثر در تغذیه

فرهنگی به شمار می رفت از طرف دیگر احراز کرسیها و پستهای دانشگاهی و

فرهنگی توسط افرادی با تفکر اسلامی و خدمات اداری و سیاسی آنها موجب شد که

توجه و اعتماد جوانان مملکت و شیفتگان آزادی به آنها جلب و کلامشان در هر دو

جبهه انعکاس و تاثیر مطلوب پیدا کند به گفته مهندس بازرگان

چشمان درخشان، مغزهای روشن و دلهای داغ و پیکرهای

سراپا گوش که این جوانان مودب و مهربان نشان می دادند بهترین

عامل و مشوقی بود که هر زبان بسته را به سخن می آورد و هر

ذهن کور را باز می کرد، به زبان حال مسائل و مطالبی مطرح

میکردند و وقتی جواب آنها را مطابق افکار و استعدادشان

می‌شنیدند، می‌بلعیدند و می‌قاپیدند<sup>5</sup>

این جوانان، در آن شرایط با مسائل و سئوالات فراوان و متنوعی روبرو بودند و احساس رسالت عظیمی می‌نمودند. از یکطرف بی‌سوادی، محرومیت، جهل، خرافات و عقب‌ماندگی توده‌های مسلمان و اسارت ملت‌های مسلمان در دست استعمار و سلطه‌گران غربی این جوانان را زجر می‌داد. از جانب دیگر جذابیت فرهنگ و علوم و تکنولوژی غربی همراه با تبلیغات مسموم کننده گروه‌های فعال سیاسی و ضد مذهبی سئوالات فراوان و بعضاً شبهات و تردیدهایی در ذهن آنان بوجود آورده بود. از جانب دیگر برخورد روحانیت وقت بجز عده معدودی از افراد زبده که آنها نیز مطرود جامعه اصلی روحانیت بودند و مسلمانان سنتی، با علوم غربی ذهن‌گرایانه و دور از واقعیت بود. این گروه به جای جوابگویی به مشکلات و رهبری بزرگان و ایفای نقش دفاعی و احیائی متناسب زمان، ضمن طرد کامل و مطلق علوم و فنون جدید، رفته‌رفته از کوران مسایل روز کنار کشیده و به نوعی انزوا تن در دادند. بسیاری از اقشار مسلمان نیز به تبعیت از روحانیت روز خواندن دروس جدید فیزیک و شیمی و هندسه و ریاضت و مترادف با بی‌دینی دانسته و به زحمت حاضر بودند فرزندان خود را به تحصیل علوم جدید اجازه دهند. اما در مقابل عده‌ای نیز آنچنان در برابر غرب خود باخته بودند که فراگیری علوم جدید را ملازم با نفی دین و خدا و معنویت دانسته و عملاً به ترس و نگرانی اقشار محافظه‌کار و بی‌اطلاع دامن می‌زدند. در این میان

جوانان مسلمان احساس رسالت می کردند که باید عملاً نشان دهند، فرا گرفتن علوم جدید نه تنها باعث سست شدن اعتقادات دینی نمی گردد بلکه در صورت برخورد صحیح، موجب تقویت معرفت دین نیز می شود این جوانان در جریان اسلامی دانشگاه رسالت خود را به خوبی انجام دادند

پیشگامان این حرکت برای پاسخگویی به سئوالات و شبهات روز دست به کار شدند و علاوه بر ایراد سخنرانی، مقالات، نشریات و کتابهای متعددی منتشر ساختند انتشار کتب مذهب در اروپا، مطهرات در اسلام، کار در اسلام که جنبه دفاع از دیانت و حقیقت و عمق اسلام داشت در مبارزه با جو ضد دینی بسیار موثر افتاد مجلات ایمان، فروغ علم، گنج شایگان مجموعه حکمت و پیکار اندیشه یکی پس از دیگری به همت انجمن اسلامی و یا بدنبال حرکت‌های آنان منتشر می شد و درج کننده مقالات آموزنده و مفید بود

در اولین شماره نشریه نامه فروغ علم که در فروردین ماه سال ۱۳۳۹ انتشار یافت در مقدمه آمده است ایران نیازمند تحول فکری است و اضافه می کند که هدف ما تحول در اجتماع است و راه آن تحول در افکار این مجله بعد از انتشار ۹ شماره تعطیل گردید

سپس مجله ماهانه گنج شایگان در ۵ شماره منتشر شد و چاپ آخرین شماره آن بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود که بعلت درج سر مقاله ای تحت عنوان ملت مسلمان ایران مستشار مسیحی نمی‌خواهد توقیف شد نشریه پیکار اندیشه ارکان



انجمن اسلامی دانشجویان نیز در سال ۱۳۴۰ در دو شماره منتشر و سپس توقیف شد در اولین شماره نشریه پیکار آمده است

این نشریه حاوی نظریات طرز فکر مترقی و نجات بخشی است که بخاطر تحقق بخشیدن به هدفهای زیر می‌کوشد

۱ کوشش در بالا بردن آگاهی نسل جوان نسبت به حقایق و اصول عقیدتی اسلام

۲ اشاعه هر چه بیشتر این اصول در میان مردم و مبارزه با خرافات و جهل و فساد

۳ تشکل و ترغیب جوانان دانشجویی به پیروی از یک زندگی شرافتمندانه بر اساس ایمان به خدا، حق طلبی، و عدالت خواهی

۴ ایجاد همبستگی جوانان مسلمان در همه نقاط و کمک به نهضت جهانی اسلام در راه ایجاد یک دنیا بهتر

بتدریج امواج مختلف از هر سو، جمع گشته و این زورق نوپا را به جلو گسیل می‌داشتند نماز خانه‌های دانشگاه نظیر دانشکده فنی ابتدا با ده پانزده نفر افتتاح شد و با پشتکار و مقاومت دانشجویان مومن و فداکار بعدها به بار نشست

در سالهای بعد عواملی در ایجاد حرکت و یا محدودیت در جو دانشگاه موثر بودند از جمله انشعاب خلیل ملکی و خنجی در سال ۲۶ از حزب توده ایران و تشکیل جمعیت سوسیالیست توده ایران که نقش فعالی در مبارزات دانشجویی و فعالیتهای سیاسی

دانشگاه در آن زمان بعهده داشتند همچنین در ۱۵ بهمن سال ۲۷ هنگامیکه شاه برای شرکت در سالروز تاسیس دانشگاه در مقابل دانشکده حقوق از اتومبیل پیاده میشد بوسیله شخصی بنام ناصر فخرائی که به سمت خبرنگار روزنامه پرچم اسلام در مراسم شرکت کرده بود مورد سوء قصد قرار گرفت، از اثرات محسوس این سوء قصد ایجاد فشار و محدودیت بیشتر برای نیروهای موجود در دانشگاه بود

## ۲/۱ - نقش ضد استبدادی \_ استعماری

### دانشگاه پس از کودتای ۲۸ مرداد

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ و پیدایش جو خفقان، احزاب و دستجات سیاسی منحل و روزنامه‌های آزاد همه تعطیل شدند و مبارزین فراوانی دستگیر و به زندان افتادند اما مبارزه تعطیل نشد و دانشگاه به عنوان مرکز مقاومت باقی ماند در این شرایط توده ایها همچنان سازمان خود را بصورت مخفی حفظ کردند و فعالیتهای مخفی دانشگاهی آنان کماکان ادامه داشت در شهریور همان سال نهضت مقاومت ملی به ابتکار افرادی چون مرحوم آیت الله حاج سید رضا زنجانی، مهندس بازرگان، دکتر سحابی، مرحوم آیت الله انگجی، مرحوم عباس رادنیای، مرحوم دکتر محمد نخشب، مرحوم رحیم عطائی، مرحوم آیت الله رسولی و آیت الله رضوی قمی تشکیل گردید و پرچم مبارزه را برافراشته نگه داشت در همین زمان کمیته دانشگاهی نهضت مقاومت ملی با فعالیتهای موثر خود جبهه مقابله با استبداد را بعهده داشت و

فعالیت‌های نظیر راهپیمایی‌ها، اعتراضات خیابانی، اعتصابات و پخش اعلامیه و غیره را رهبری میکرد

تشکیل نهضت مقاومت ملی بعد از کودتا رژیم را وادار به رودرروئی با دانشگاه نمود در زمانی که کمپانیهای نفتی بـه رای تسلط مجدد بر نفت ایران نقشه می کشیدند، نیکسون، معاون رئیس جمهوری آمریکا، به ایران می آمد تا نتیجه کودتای ۲۱ میلیون دلاری آمریکا را ببیند، ناراحتی و نارضایتی مردم هر روز بیشتر اوج می گرفت و فریاد اعتراض از هر گوشه و کناری به گوش می رسید، دولت و استعمار خارجی نیز برای انتقام از مردم مبارز ایران بخصوص دانشجویان دانشگاه تهران، دندان تیز کرده بود که فاجعه ۱۶ آذر بروز کرد اختصار وقایع آن را از زبان شهید دکتر چمران می خوانیم

از آنروز یعنی ۱۶ آذر ۱۳۳۲، نه سال می گذرد ولی وقایع آنروز

چنان در نظرم مجسم است که گوئی همه را به چشم می بینم صدای رگبار مسلسل در گوشم طنین می اندازد، سکوت موحش بعد از رگبار بدنم را می لرزاند آه بلند و ناله جانگداز مجروحین را در میان این سکوت دردناک می شنوم دانشکده فنی خون آلود را در آنروز و روزهای بعد به رای العین می بینم آنروز ساکت ترین روزها بود و چون شواهد و آثار احتمال وقوع حادثه ای را نشان می داد دانشجویان پی اندازه آرام و هوشیار بودند، که به هیچ وجه بهانه ای بدست کودتاجیان حادثه ساز ندهند پس چرا و چگونه دانشگاه

گلوله باران شد و چطور ۳ نفر از بهترین دوستان ما بزرگ نیا،

قندچی و رضوی به شهادت رسیدند؟<sup>6</sup>

حرکتهای دانشجویی برآستی در اجتماع موج ایجاد کرده و امواج توفنده حاصل از آن

هستی رژیم را به بازی گرفته بود، اکنون سینه شکافته شده شریعت رضوی، پیکر

گلوله باران شده بزرگ نیا و بدن غرقه بخون قندچی گواه براین بود که دانشگاه دژی

تسخیر ناپذیر است

انعکاس جهانی واقعه دلخراش ۱۶ آذر به حدی بود که بعدها سازمان جهانی

دانشجویان کوسک روز ۱۶ آذر را به روز جهانی دانشجو اعلام کرد و همه ساله در

این روز دانشجویان سراسر جهان روز دانشجو را گرامی میدارند

در سال ۳۳ مخالفت جمعی از شخصیت‌های سیاسی و روحانی از جمله ۱۲ استاد

برحسبه دانشگاه با قرارداد کنسرسیوم نفت باعث شد که رژیم در جهت اخراج

استادان از دانشگاه فشار زیادی اعمال کند و وقتی که با مقاومت رئیس دانشگاه

دکتر علی اکبر سیاسی مواجه شد، بر خلاف قانون تاسیس دانشگاه به دستور

کفیل وقت وزارت فرهنگ، استادان دانشگاه از کار برکنار شدند اسامی این ۱۲ استاد

بدین شرح است مهندس انتظام، مهندس بازرگان، دکتر بیژن، دکتر جناب، مهندس

خلیلی، دکتر سبحانی، دکتر عابدی، مهندس عطائی، دکتر قریب، دکتر معظمی، دکتر

میر بابائی و دکتر نعمت الهی

در سالهای ۲۲ - ۲۵ روزنامه‌هایی نظیر راه مصدق، ارگان نهضت مقاومت ملی

افشاگر چهره واقعی رژیم و جریان‌ها اخیر بود

## ۴/۱ - تشکیل انجمن‌های اسلامی

تشکیل انجمن اسلامی مهندسين در سال ۳۶ و جامعه اسلامی معلمين در

سال ۳۸ و متعاقب آن انجمن اسلامی پزشکان تکمیل کننده و ادامه دهنده حرکت‌های

دانشجویی، و در حقیقت ایجاد کانال‌های مستحکمی برای ورود مهندسين و معلمين و

پزشکان با ایمان به گود و کوران مبارزات و تشکیل جوامع و جلسات مختلف مذهبی و

فرهنگی سیراب کننده فشر تشنه و فعال بود

در اساسنامه انجمن اسلامی مهندسين در سال ۳۶ آمده است

به حکم دستور ازلی و اعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا و نظر

باینکه اجتماع افراد و همکاری صمیمانه مثبت مردان معتقد صالح در

اقدامات مفید مرضی خدا و موجب انتفاع و استحکام امر دنیا و

سعادت عقبی می شود و با توجه به فساد و بیچارگی مملکت از

یکطرف و تشنیت و تراحم عمومی از طرفی دیگر، این عمل یکی از

احتیاجات اساسی روز و از وسائل ضروری تربیت اخلاقی افراد و

تمرین آنها برای اداره صحیح جامعه می باشد، و مسلمانان روشن فکر

بیش از سایرین خود را محتاج و موظف به تربیت و تقویت و تجمع

میبینند، انجمن از مهندسين مسلمان ايران كه توافق عقیده ای و

تجانس فكري و مردمی بیشتر دارند بنام انجمن اسلامی مهندسين

بامید تائيدات الهی طبق مواد ذیل تشکیل می شود

سپس به شرح مرام و مواد انجمن می پردازد

۱ اجتماع و ارتباط و تعاون مابین مهندسين مسلمان

۲ تقویت ایمان و کسب معرفت و تعظیم شعائر اسلامی

۳ اصلاحات و اقدامات اجتماعی عملی مفید به طور مستقیم یا با

مشارکت و همکاری جمعیت های مشابه

در اساسنامه جامعه اسلامی معلمین پس از ذکر اثر موج آسای پندار، گفتار و کردار

معلم به این نکته اشاره می کند که

از آنجائیکه هر اصلاح و اقدام بزرگ با ارتباط و اتحاد به وضع

صحيح تر و محکم تر انجام می گیرد و در اسلام عبادت و اطاعت خدا

به حکم و اعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا در جماعت مقبول تر

افرادى پذیرفته و موثر واقع می شود و امروز عساکر شیطان و

دشمنان این اندازه متشکل و مقتدر هستند مردان خدا بیش از هر

زمان احتیاج به آشنائی و همفکری و همکاری با یکدیگر دارند

موسسین انجمن اسلامی مهندسين ۱۲ تن بودند و اسامی این اشخاص در بین آنها بچشم می خورد مهدی بازرگان، عباس تاج، عزت الله سجایی، قاسم شکیب نیا، یوسف طاهری، مصطفی کتیرائی و علی اکبر معین فر

همچنین موسسین انجمن اسلامی معلمین ۱۵ نفر بودند که اسامی عده ای از آنها بدین شرح است مهدی بازرگان، غلامعباس توسلی، ید الله سجایی، سید محمود طالقانی، مرتضی مطهری

انجمن اسلامی پزشکان نیز با هدف و مرام همکاری و ایجاد ارتباط بین افراد مسلمان جامعه پزشکی بوجود آمده بود ادامه دهند مسیر سایر انجمن های اسلامی بود، در میان هیئت موسس انجمن این اسامی به چشم می خورد دکتر جواهریان، دکتر عباس حائری، دکتر صائبی، دکتر عالی، دکتر ممکن و دکتر کاظم یزدی

انجمن اسلامی بانوان نیز که بمنظور اصلاح جامعه با تقویت ایمان و اشاعه مبانی و تعظیم شعائر دینی و اجرای احکام اسلامی بوجود آمد و در سال ۱۳۳۷ تشکیل شد

تشنگی انجمن اسلامی و دانشجویان برای کشف حقیقت به آسانی اقع نمی شد و پی در پی در جستجوی گمشده ای در تکاپو بود

ورود مرحوم مطهری به دانشگاه از کانال انجمن های اسلامی دانشجویان در سالهای ۳۶ - ۳۵ صورت گرفت، برخورد ایشان با قشر دانشجو سبب شد که آشنائی کامل نسبت به خواسته ها و سوالات روز جوانان پیدا نموده و به فرهنگ اسلامی دانشگاه عنایي تازه بخشد هنوز اثر سخنرانیها و رهنمودهای مختلف آن دوران در

زویای مغز های پویای قشر تحصیلکرده مذهبی بوضوح قابل رویت است همچنین سخنرانیها و کتابهای مطهرات در اسلام، راه طی شده دل و دماغ، حکومت جهانی واحد، در حدود سال ۳۷ توسط مهندس بازرگان در همین جهت و تکمیل کننده این راه بود

### اولین کنگره انجمن های اسلامی

اولین کنگره انجمن های اسلامی که ثمره بیست سال فعالیت خستگی ناپذیر پیشگامان جوانان اسلامی دانشگاه بود در شهریور ۱۳۴۰ با شرکت ۱۳ انجمن افتتاح شد، در قطع نامه این کنگره چنین آمده است

\*کاملترین مسلك نجات بخش بشریت از گمراهی و گرفتاریها و استوارترین روش تربیت و تکامل در راه سعادت ابدی آئین خدائی اسلام و کتاب راهنمای روشن او قرآن است که ان هذا القرآن یهدی للنی هی اقوم

\*تنها ایمان به يك حقیقت نمی تواند امید فایده ای باشد مگر اینکه با فعالیت و خدمت و کار صحیح توأم باشد

\*جامعه مسلمان برای بخشودگی از گناهان گذشته و خلاصی از زیونی و ناتوانی قرون اخیر در طریق اجرای رسالت الهی که می بایستی بهترین امت دنیا باشد لازم است با جمیع وسایل عقب افتادگیهای فکری و اخلاقی و علمی و حقی را جبران نموده به



سلاح آخرین تجهیزات علم و کمال و تمدن درآید تا بتواند بمصداق  
وَكذالكِ جعلناكم امةً وسطاً لتكونوا شهداء على الناس وظيفه و  
وعده الهی را ایفا کند.

\*ما معتقدیم که منحصر اقامه شعار و تظاهرات متداول مذهبی  
مشخص و معرف يك جامعه واقعی اسلام نیست بلکه لازم است  
همه جنبه های نظام اجتماعی منطبق با اصول اسلامی باشد و  
تنها در اینصورت است که دین در خدمت طبقه خاص قرار نگرفته و  
ضامن سعادت همگان است

این قطعنامه در پایان اضافه می کند که

کنگره توجه خاصی نسبت به همکاری صمیمانه بین کلیه ملل  
اسلامی داشته و پشتیبانی خود را در مبارزات آزادیخواهانه ملل  
مسلمان بویژه ملت قهرمان الجزائر و نیز برادران آواره فلسطین  
اعلام می دارد

اسامی ۱۳ جمعیت و انجمن امضاء کننده قطعنامه بدین شرح بود

انجمن اسلامی مهندسين تهران \_ كانون نشر حقایق اسلامی مشهد \_ انجمن

تبلیغات اسلامی مشهد \_ انجمن اسلامی دانشجویان تهران \_ جامعه اسلامی معلمین

تهران \_ انجمن اسلامی دانشجویان مشهد \_ انجمن اسلامی دانش آموزان مشهد \_

انجمن تبلیغات اسلامی ته. ران \_ انجمن اسلامی دانشجویان اصفهان \_ انجمن اسلامی

دانشجویان آبادان \_ انجمن اسلامی معلمین شیراز \_ مکتب توحید تهران \_ انجمن

اسلامی دانشجویان شیراز

## ۵/۱- مبارزات خارج از کشور

حلقه مبارزات داخلی در اثر ارتباط با حلقه مبارزات خارج از کشور استوارتر شده و

تکیه گاهی مطمئن برای ملت مبارز ایران ساخت

مبارزات خارج از کشور نیز در ۳ محور حرکت‌های مارکسیستی، ملی، اسلامی بترتیب

و تدریج بوجود آمده و ادامه دهنده روند حرکت‌های دانشجویی داخل کشور بود

در جریان جنبش خارج از کشور که بطور علنی و مفید از سال ۱۳۳۹ تا ۱۹۶۰

میلادی مقارن با شکل‌گیری حرکات داخلی سال‌های ۳۹ و ۴۰ ابتدا بصورت

کنفدراسیون دانشجویی پایه گذاری می‌شود، رهبری و کنترل انجمن‌های دانشجویی

در آغاز بدست عناصر مذهبی \_ ملی در جهت افشای مفاسد رژیم ایران بوده است

ولی متأسفانه پس از مدتی به دست مارکسیست‌ها افتاد

در سال ۱۹۶۰ هفده نفر از دانشجویان در مقابل سازمان ملل دست به تظاهرات

علیه دولت ایران زدند، خواست عمده آنها آزادی انتخابات در ایران و آزادی دکتر مصدق

از زندان بود نتیجه این اعتراضات و تظاهرات که خود نقطه عطفی در جنبش

دانشجویی خارج از کشور گشت، این شد که اردشیر زاهدی در کنگره سالانه همان

سال که يك ماه بعد از این واقعه تشکیل شده بود طی نطقی تظاهرکنندگان را

مصدقی بیوطن خائن که تظاهرات برپا می‌کنند نامید این نطق با اعتراض شدید دانشجویان مواجه شد چنانچه زاهدی مجبور به ترك جلسه و واگذاری انجمن دانشجویی به دانشجویان آزادخواه و معترض گردید

اعضای انجمنهای اسلامی دانشجویان داخل کشور که برای ادامه تحصیل به اروپا و آمریکا می‌رفتند در کنار تحصیل خود به رسالت اجتماعی خود نیز توجه داشتند افرادی چون مرحوم دکتر شریعتی در اروپا هم در حرکت دانشجویی خارج از کشور و هم در محتوی دادن به حرکت جبهه ملی اروپا انتشار روزنامه ایران آزاد حدوداً بمدت چهار سال و هم جهت و محتوی دادن به حرکت اسلامی دانشجویان و بالاخره در تاسیس نهضت آزادی ایران\_ خارج از کشور نقش موثری ایفا کردند در آمریکا مرحوم شهید دکتر چمران، صادق قطب زاده، دکتر نخشب و دکتر ابراهیم یزدی در شکل گیری حرکت دانشجویی و محتوی دادن به جبهه ملی آمریکا و سپس متکامل ساختن انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا و در پایه گذاری نهضت آزادی ایران خارج از کشور و بالاخره در ایجاد هسته مسلحانه در خارج کشور و بعدها مرحوم دکتر چمران در آموزش محرومان شیعه در لبنان در کنار امام موسی صدر نقش برجسته ای داشته اند

اولین هسته های انجمنهای اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا در سال ۱۳۴۲ به

همت مهندس محمد توسلی در آلمان شکل گرفت در همین زمان انجمن اسلامی

دانشجویان در آمریکا و کانادا به همت آقای دکتر بهاری نژاد پایه گذاری شد ادامه

فعالیت این انجمنهای اسلامی از سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ پیروزی انقلاب در خارج از کشور بویژه در آمریکا به همت و کوشش پیگیر گسترده و خستگی ناپذیر افرادی چون دکتر یزدی، مرحوم نخشب و قطب زاده آنچنان جو فرهنگی موثری در استقرار و پیشبرد حرکت مذهبی ملی بوجود آورد که مجدداً حرکت اسلامی توانست جو غالب مارکسیسم را در خارج از کشور درهم بشکند و سازمانهای اسلامی نقش تعیین کننده پیدا کنند بطوریکه امروز بسیاری از مسئولین جمهوری اسلامی که بار مسئولیت کارهای اجرایی را بر دوش دارند، از اعضاء و تربیت شدگان سابق انجمنهای اسلامی خارج از کشور هستند.

### ۶/۱ - پیوند دو جریان اسلامی

پرواز بلند انجمنهای اسلامی بسوی آسمان استقلال و آزادی میهن نیاز به تقویت و پشتگرمی داشت لذا کوشش دانشگاه بر این قرار گرفت که فاصله میان روحانیت و دانشجویان هر روز کمتر کرده و از طریق کشاندن قشر روحانی و حوزه به میدان مبارزات، جنبش و جلای تازه بخشد.

پیوند این دو جریان اسلامی علیرغم وجود دو نقطه نظر مخالف با گذشت زمان صورت گرفت جریان دانشگاه به دلیل تحلیل و بررسی وضعیت کشور و تشخیص ضرورت همکاری جریان های اسلامی، خود جویای روحانیت شد و بسوی اتحاد گام برداشت و جریان فیضیه علیرغم داشتن نگرش قهر و طرد دانشگاه و علوم جدید رفته

رفته به این اتحاد مقدس که به ابتکار و همت قشر دانشجو آغاز شده بود تن در داد چنانچه بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۳۲ و سقوط دولت ملی دکتر مصدق شرکت تعدادی از روحانیون در نهضت مقاومت ملی همکاری این دو جناح را تقویت کرد و قشر روحانیون فعال سیاسی را تشکیل داد سال ۳۵ چنانکه ذکر شد، سال ورود شهید مطهری به دانشگاه بود، و این برخورد و همکاری خود انگیزه بسیاری از سخنرانها و کتبی بود که نقش به سزائی در تربیت جدید داشته و دارد با تاسیس نهضت آزادی ایران در اردیبهشت ۱۳۴۰ که بدنه اصلی آنرا استادان و دانشجویان مسلمان و مبارز تشکیل می دادند ، نهضت فرهنگی گامی دیگر برداشت و مشام همگان آکنده از رایحه ای شد که آزادی ایران را مرام نهضت خویش قرار داده بود نهضتی که با همان تفکر اسلامی و غنای علمی پا به میدان مبارزه گذارده بود در سال ۴۰ فوت مرحوم آیت الله بروجردی انگیزه ای برای حرکت انجمن اسلامی دانشجویان به قم و برپائی اولین راهپیمائی مشترک با ط لایب مبارز قم بود این همکاری و همیاری بعدها در سال ۴۲ برهبری امام خمینی نمود و سرعت بیشتری بخود گرفت، اخبار رودرروئی رژیم با حوزه در سال ۴۲ و تبعید امام خمینی دامنه وسیعی پیدا کرد و ایران را متلاطم ساخت بیقین می توان گفت که ۱۵ خرداد سال ۴۲ نقطه عطفی برای مبارزات مردمی در ایران بود چرا که سیاست سرکوبگرانه رژیم در آن سال مبارزات سیاسی و علنی را به مبارزات زیرزمینی و جهاد مسلحانه تبدیل ساخت

## ۷/۱- آغاز مبارزات مخفی

در سالهای پس از ۴۲، ایران شاهد ظلمتکده ای بود که در تاریکی وحشتناک آن مشعلداران مبارزات مخفی نقشی روشن و فروزان ایفا نمودند گروه‌هایی که علیرغم وحشیگریهای رژیم از پا ننشستند و هر کدام برای رهایی از سلطه استبداد براهی متمسک شدند در این سالها هسته‌های مبارزه مسلحانه شکل گرفت با مطرح شدن کشتارها و فشارهای روحی جهاد مسلحانه مسلمانان و حرکت‌های مسلحانه مارکسیستی تواما برای مبارزه آماده می شدند لذا با شروع این حرکتها بیش از پیش نیازی شدید به فرهنگ و ایدئولوژی مدون که پاسخگوی نیازهای زمان باشد احساس شد خلائی که همه را سخت به تکاپو وا داشت و حرکتی در جهت انقلابی فرهنگی صورت گرفت انقلابیون در مخفی گاههای خود اوقات خود را به مطالعه، خودسازی و فراگرفتن فن مبارزه سپری می کردند این زمینه مساعد در جامعه و در نیروهای مبارز نیاز به يك جرقه داشت تلاقی ارشاد گریهای مرحوم دکتر شریعتی، با چنین زمینه مساعدی، آغازگر انفجاری عظیم و وسیع بود، اجتماع ده پانزده نفری انجمنهای اسلامی به اجتماعات پنج هزار نفری در حسینیه ارشاد مبدل شده بود، سخن اعجاز گونه و آگاهی آفرین شریعتی بر صفحه روشن افکار جوانان نقش می بست و به زندگی هدف و به مبارزه معنی می بخشید

در میان حرکت‌های مسلحانه در سال ۵۰ حرکت مجاهدین خلق ایران ناگهان چون شهابی درخشیدن گرفت. امیدی در دل مسلمانان مبارز ایجاد کرد و قشرهای مختلف از روحانیون و نیروهای دیگر را جذب نمود و در نهایت کفه ترازو را به نفع حرکت‌های اسلامی تغییر داد. بصورتی که در سال ۱۳۵۴ انحراف درونی سازمان مجاهدین که زمینه‌های آن از قبل فراهم شده بود، با وجود اثرات زیاد منفی نتوانست حرکت اسلامی ملت ما را که بطور وسیعی گسترده شده بود از پویایی باز دارد. رفته رفته فعالیت‌های مذهبی جنبه مبارزاتی پیدا کردند. در سال ۵۵ با رشد حرکت اسلامی در افکار و شخصیت بانوان، حجاب چهره‌ای جدی به خود گرفت و در دانشگاه به طرز بی سابقه رواج یافت و با فشار اشرف خواهر شاه خائن مبنی بر جلوگیری از ورود بانوان با حجاب به دانشگاه، حجاب اسلامی در اکثر طبقات نیز مطرح شد و جنبه مبارزاتی پیدا کرد.

در این زمان افکار بانوان آگاه و جوانان روشنفکر، در پای تفاسیر کانون اسلام و مسجد هدایت طالقانی، در میان کتب حیاتی و زیر بنایی بازرگان، در پرتو ارشادگر بهای دلسوزانه و انقلاب آفرین شریعتی، در سخنرانیها و نوشته‌های غنی و اصلاحگرانه مطهری شکل گرفته بود و این ساختمان فکری همراه با فعالیت مداوم و پیگیر صداها نعره از مسلمانان متعهد با نام و یا بی نام و نشان، رفته رفته جوانان و قشرهای تحصیل کرده را از جا کند، به حرکت در آورد و بتدریج و در کنار جریان اسلامی فیضیه که

توده‌ها را بسیج می‌کرد بنیانگذار حرکتها، اجتماعات، تظاهرات و جانفشانیهای شد که در انقلاب سال ۵۷ نقشی اساسی و غیر قابل انکار ایفا نمود

بطور خلاصه در تمام این مبارزات، تا آنجا که به پیروزی ملت در ۲۲ بهمن ۵۷ انجامید، دانشگاه تهران و سایر دانشگاه‌های ایران سهم برجسته و عمده‌ای داشته است و بحق دانشگاه سنگر مقاومت و مبارزه علیه استبداد و استیلای خارجی بوده است و علیرغم فشار گسترده نظام استبدادی شاه برای مهار کردن دانشگاه، این سنگر ملت هرگز سر تسلیم فرود نیاورد و همیشه در پیشاپیش صفوف مبارزات ملت قرار داشت<sup>7</sup>

## ۲\_ دانشگاه پس از پیروزی انقلاب

### ۱ ۲ دانشگاه در بدو پیروزی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پیدایش محیط کاملاً آزاد در بدو امر، برای جامعه‌ای که در واقع قریب چندین قرن زیر یوغ استبداد و حکومت خود سرانه بس بر برده بجز زمانهای کوتاه و موقتی \_ که آنهم از تاریخش حذف گردیده \_ و هیچگاه از نعمت آزادی برخوردار نبود و نتیجتاً شیوه استفاده صحیح از آنرا نمی‌دانست بروز هرج و مرج همه گیر در گوشه و کنار آن امری طبیعی به شمار می‌رفت

دانشگاه بواسطه سابقه‌ای که در مبارزه با استبداد و اختناق داشت طبیعتاً خود را محق تر از همه در استفاده بی حد و حصر از آزادی میدانست و دقیقاً از همان



اولین روزهای پیروزی انقلاب گروهها يك يك سر بر آوردند فعالیت های سیاسی در دانشگاه ها با شتابی چشم گیر آغاز شده و روبه افزایش نهاد چهره محیطهای آموزشی به سرعت تغییر یافت و صحنه اصطکاکات و محل رویارویی عقاید و گرایشهای گوناگون توسط عناصر صادق یا عوامل مشکوک و وابسته گشت و از آنجا که این عقاید و اندیشه ها جز در قالب گروههای سیاسی نمی توانست تبلور یابد هر يك از این گروهها به میزان برخورداری از آراء دانشجو و یان، ارگانهای مختلف دانشگاه را تحت نفوذ و کنترل خود در می آورند لذا آنچه برای این گروهها اهمیت فوق العاده داشت، جلب آراء و جذب دانشجویان بود، این امر سبب شد، که فعالیت چشم گیری در بعد تبلیغات در عرصه دانشگاه ها پدید آید دنیائی از پوسترها و تراکتها و اعلامیه ها و بیانیه ها، بر درو دیوار دانشگاه نقش بست و شاید آنچه فراموش نشد، کتاب و دروس و استاد و کلاس بود توسعه و بسط محیط مناظره، بخصوص برای قشر جوان تحصیلکرده همیشه بعنوان ایده آل محیطهای چنان محیطی می رفت ولی در عمل برخی مشکلات ظاهر شد، دستجات سیاسی، دانشگاه را بعنوان حداقل سهمیه خود از غنیمتی تلقی کردند که در پیکار با رژیم گذشته حاصل شده بود، و بدین لحاظ خود را حاکم مطلق و صاحب پی چون و چرا می پنداشتند، چنین نگرشی نسبت به دانشگاه، خود بوجود آورنده مشکلات بسیاری بود که از ابتدائی ترین آنان طرح سوالاتی از این قبیل بود اگر چه نمیتوان انتظار داشت درك فهم و فرهنگ مردم دفعتا به چنان رشدی برسد که از بدو امر حد و مرزها را بشناسند و به نگهداری از آن گردن نهند ولی آنچه

مورد سوال است، اینست که آیا واقعا جهت حرکت کلی دانشگاه در مسیر ایده آل و با آینده ای روشن و مطلوب است آیا حضور افکار مختلف از چپ و راست در محیط دانشگاه و تبلیغات بی حد و حصر هر يك از آنان که در مواردی بخشونت و نزاع بدل گشته بود، می توانست همان نتایج مورد نظر از محیط آزاد را بدنبال داشته باشد؟ و آیا در واقع برخوردهای افکار موجود، در آن هنگام امری کاملا طبیعی و برخواسته از روحیه فعال و اندیشه های آزاد و پویای دانشجویان بود؟

بدون تردید بسیاری از گروه های سیاسی حاضر در دانشگاه ها که با ادعای سابقه طولانی در مبارزه با رژیم طاغوت هر يك متولی انقلاب و دستاوردهای آن شده، و پیروزی انقلاب را تنها مرهون مبارزات و مجاهدات خود می دانستند، به سبب بیگانگی عقیدتی و فکری با مردم عادی و فقدان هر گونه پایگاه اساسی مردمی در جامعه، دانشگاه را بعنوان تنها مامن و ملجا خویش یافته عمده پایگاه خود را در آنجا بنا نهادند، و چه محیطی بهتر از دانشگاه که حرمت آن در زمان طاغوت نیز به سختی شکسته میشد، چه رسد به دوران آزادی پس از انقلاب

نیاز به توضیح نیست که این گروه های تازه رشد یافته که اغلب مارکسیست و یا متمایل به آن بودند، هر يك برای خود تریبون و اعلامیه و دفتر و روزنامه ای اختصاص داده، علیرغم آنکه تعدادشان نسبت به کل دانشجویان چندان نبود، خواهان تساوی حقوق در استفاده از امکانات دانشگاهی می شدند، از همان روزهای نخستین با موضع گیری در قبال مسئولین و دولت هر يك خواهان اجرای طرحها و نظرات و خلاصه

خواست‌ها به حق خود شده، و بدین حد نیز اکتفا نکرده با نفوذ و رسوخ بدرون کارگاه‌ها، کارخانجات و موسسات دولتی و غیردولتی وزیر نام‌کارگر، کارمند، مستضعف، محروم، خلق و توده عملاً موجبات کار شکنی و اعتصابات و هرج و مرج را به وجود آوردند حتی از این حد نیز گذشته گروه‌هایی که در گوشه و کنار کشور چون کردستان، با دولت مرکزی در جنگ و نزاع بودند، آزادانه در دانشگاه‌ها به تبلیغ و نشر عقاید و توجیه اعمال خود پرداخته از آنجا به تقویت موضع سیاسی شان می پرداختند نتیجه عمل این گروه‌ها، و خواست بسیاری از آنان چیزی جز تضعیف دولت و کارشکنی و مانع تراشیها نبود و میتوان گفت که گروه‌های مذکور اولین قهرمان مسابقه تضعیف دولت بشمار می رفتند

پیشرفت این روند توسط گروه‌های موجود در دانشگاه‌ها ناخودآگاه این سؤال را در اذهان به وجود می آورد، که آیا دانشگاه به عنوان پایگاهی امن و مصون از هر گونه بازپرسی و سوال و جواب بتدریج به مکان پیاده کردن اغراض گروه‌های وابسته و غیروابسته تبدیل نشده است؟ آیا دانشگاه از مسیر اصلی رسالت خویش که همانا تقویت بنیه علمی کشور و ایجاد زمینه برای قطع وابستگی و همچنین اعتلای سطح آگاهی و شعور جامعه می باشد، دور نشده، و در بیراهه ای سخت گمراه نیفتاده است؟ اینگونه سئوالات بکرات در آنروزها و بعد از آن از سوی عده ای در سطوح مختلف و آن عده ای که بعدها حرکتی به نام انقلاب فرهنگی را بنا نهادند و با همین بهانه‌ها ۲ سال تعطیل دانشگاه را باعث شدند\_ مطرح می گشت در واقع آنچه در

آخرین روزهای عمر دانشگاه قبل از انقلاب فرهنگی بوقوع می پیوست کم کم زمینه ذهنی هر فرد دلسوز به دانشگاه و دین و کشور را بر لزوم تغییرات اساسی و تحولات بنیادی در روابط و ضوابط حاکم بر دانشگاه‌ها آماده ساخته بود

اما آنان که با استفاده از این زمینه ذهنی اقدام به تغییر و تحول نمودند، تنها سودای اصلاح این محیط را در سر نداشتند مقاصد سیاسی و انحصار طلبی باعث شد که بجای سعی در یافتن يك راه حل اصولی برای تصحیح روند موجود در دانشگاه‌ها و حفظ نکات مثبت و اصلاح نکات منفی و برپا نگهداشتن اصالتها و ارزشهای محیط دانشجویی دست به عمل بزنند که عمده هدفش خلاصی از هرگونه دردسر و مخالفت و مشكلات ناشی از آن و جلوگیری از بیان اعتراضات و انتقادات، اگر چه در مسیری صحیح هم باشد، بود و اینگونه چاره جوئی‌ها چیزی جدا از آنچه که در کل جامعه ایران بعد از پیروزی انقلاب رخ داد، نبود

آنچه در قبال دانشگاه بعنوان کانونی مبتلا به برخی معضلات و مشکلات اجتماعی، سیاسی اعمال شد، نه در جهت درمان و مداوای صحیح آن نارسائی‌ها، و نگرشی واقع بینانه نسبت به آنها، بلکه برخوردی کاملا سیاسی و از دریچه منافع گروهی بود حذف کلیه گروههای بالقوه و بالفعل موجود در جامعه و از صحنه خارج کردن تمام اندیشه‌ها و افکار غیر خودی و سرکوب آنان طرحی کلی برای تمام جامعه بود، که دانشگاه‌ها را نیز دربر گرفت و برخورد کردن از این زاویه به مسائل دانشگاه نتایج جز وضع کنونی نمی توانست بیار آورد بزبان ساده چپروی کودکانه و مغرضانه نیروهای

چپ موجب بروزورشد واپسگرایانه ای گشت که جامعه باز دوران پس از انقلاب را به جامعه بسته امروز تبدیل کرد

دانشگاهی که به اقرار تمامی افراد چه آنها که اکنون حاکمند و محکوم یکی از کانونهای گرم و موثر در مبارزات بر علیه استبداد طاغوتی به شمار می رفت یکباره تمامی حسنات آن به سیئات تبدیل گشت و همگی آن سوابق نادیده انگاشته شد، و از این محیط در منابر و مساجد و رسانه ها تنها و تنها بعنوان مراکز تحصیلکرده های غیر متعهد، غرب زدگان و شرق باوران و مهد پرورش شریف امامی هایاد شد<sup>8</sup> و بالاخره ریشه تمامی بدبختی ها و عقب ماندگیهای پنجاه ساله اخیر با بی انصافی تمام دانشگاه شناخته شد

در واقع آنچه بر سر دانشگاه های ما آمد چیزی نبود جز محصول مشترک اقدامات و فعالیت های دو گروه متخاصم، که یکی راه هرج و مرج و زیاده روی و افراط و سوء استفاده از آزادی را در پیش گرفت و دیگری با دستاویز کردن این هرج و مرجها و بی نظمی ها، در کل از هر گونه آزادی بیان و فعالیت و جنب و جوش که لازمه محیط دانشجویی است ممانعت به عمل آورد و حاصل این همه، جز بسته شدن دانشگاه برای مدتی بیش از ۲ سال و توقیفی جبران ناپذیر در مسئله آموزش کشور نبود حال با دانشگاهی مواجهیم که کاملاً با آنچه آرمان انقلاب می طلبید و برای دانشگاه رسالت قائل بود و تاریخ دانشگاه ایران در طول عمرش بیاد داشت، متفاوت است آن عده از دانشجویانی که به دانشگاه ها پذیرفته شده اند چه آنان که از طرفداران انجمنهای

اسلامی بوده و چه آنها که یا بی خط و یا در زمره توابین گروهها می باشند، تنها هم و غم، توجه و هدفشان سپری کردن دوران تحصیل و فراغت است، گوئی خود آنان نیز چندان تمایلی به کاری غیر از درس خواندن ندارند آنان که از واخوردگان سیاسی هستند، باری از تعهد و ضمانت و امان نامه بر دوش می کشند، آنان که بی خط بوده و از همان ابتدا کاری به این کارها نداشتند ازه دریافته اند که در چه راه بی خطر و صحیحی طی طریق می کرده اند، و آنان که از طرفداران و هواداران انجمنهای اسلامی و گروههای وابسته به آن بودند اکنون مطلب چندانی برای گفتن ندارند، چرا که تاریخ این چند ساله که بر این جامعه و دانشگاه آن رفت خود گویای همه چیز است

## ۲/۲ انقلاب فرهنگی

تا کنون سیری هر چند کوتاه و احمالی در تحولات و تغییرات دانشگاه در ایران داشته، سعی کردیم همگام و همراه با دانشگاه از ابتدای پیدایش و تاسیس تا دوران انقلاب فرهنگی و تعطیلی سه ساله حرکت کنیم در نظر داشتن این سابقه و شناخت تحولات دانشگاه تاثیر مستقیم به سزائی در نحوه رو در رویی با مسائل و مشکلات آن داشته و زمینه ساز تصمیم گیری منطقی و صحیح در قبال آن مشکلات و ارائه راه حل های اصولی می باشد

با در نظر داشتن این سابقه شاید بتوان پاسخهای معقولی به سوالاتی از این قبیل داد که برآستی عاقبت و نتیجه انقلاب فرهنگی چه بوده است؟ اصولا رسالت

دانشگاه در زمینه های مختلف چیست و چه انتظاراتی از دانشگاه باید داشت؟ چه کسانی و چگونه بایستی برای تحصیل به دانشگاه راه یابند؟ جذب و انتخاب اساتید دانشگاه چگونه باید باشد؟ نحوه صحیح مدیریت دانشگاه چگونه و بعهده چه کسی است؟ وضع موجود دانشگاهها چه اشتراکات و تمایزاتی با ایده آلها دارد؟ و البته پاسخ کامل و دقیق به همه این سئوالات نه تنها ممکن و مقدور نیست بلکه از حدود این نوشته نیز خارج می باشد اما امیدواریم ذکر اجمالی نظریات و نکاتی که ذیلا آورده می شود موجب توجه و بررسی این مسائل گشته راهگشای حرکت صحیح دانشگاهی باشد

قبل از ورود به بررسی مسائل و موضوعات پس از انقلاب فرهنگی لازم است دو مقوله جدا ولی مرتبط را که عموماً تحت نام انقلاب فرهنگی در شعارها و گفتارها عنوان شده و میشود از یکدیگر تفکیک کنیم شعار اصلی که هنگام تعطیل شدن دانشگاهها انقلاب فرهنگی بود که مرتباً، در سخنرانیها و بحث ها تکرار می شد، اما آنچه بیشتر مورد نظر بود انقلاب آموزشی بود که به غلط یا به دلایل دیگری بنام انقلاب فرهنگی عنوان میشد همین مخلوط و ممزوج شدن دو مفهوم اصلی و کلی باعث عدم درک صحیح مشکل و فقدان برنامه ریزی مناسب برای سالهای پس از تعطیلی بود

اصولاً انقلاب فرهنگی قلمرو بسیار وسیع داشته بستگی مستقیم به روابط انسانی مابین افراد اجتماع دارد نه تنها محدود به دانشگاه نیست بلکه ارتباط با کل و

مجموعه جامعه دارد و نیازمند به حرکتی تدریجی و عمیق در طی نسلها و دورانهای

زندگی يك ملت است

در فرهنگ اسلامی انقلاب فرهنگی بنام تزکیه عنوان شده است که اصولا

اساس و هدف اصلی حرکت پیامبران است هو الذی بعث فی الاممین رسو لا منهم

یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال

مبین جمعه ۲ اوکسی است که از میان امی هارسولی برایشان برانگیخت تا با

تلاوت آیات خداوند بر آنان تزکیه شان کند و سپس کتاب و حکمت را به آنان پیامورد

در حالی که تا پیش از آن در گمراهی سخت آشکاری بودند

اما این انقلاب که با تزکیه انجام می پذیرد ناگهانی نیست در زمانی و لحظه خاصی

صورت نمی گیرد و از نوع انقلابات سیاسی نیست تزکیه قرآن با تصفیه فیزیکی لینی و

استالینی متفاوت است و از طریق تلاوت آیات بر مردم شکل گرفته و بتدریج و با اصلاح

و تربیت خود شخص و یا اشخاص به ظهور و بروز می رسد و همچنانکه رشد می کند

زمینه مناسب برای تعلیم کتاب و حکمت می شود

قرآن همچنین امتهای دیگری را مثال میزند که بدرجاتی از رشد و تزکیه نیز رسیدند

اما چون زمانی هر چند کوتاه به خود وا گذاشته شدند مجددا با بروز اتفاقاتی به همان

روابط شرك آمیز اولیه خویش رجعت کردند این مثالها نشان می دهد که انقلاب

فرهنگی یا تزکیه حرکتی بازگشت پذیر بوده و چنانچه برنامه های خاصی دنبال

نگردد نه تنها بتدریج حرکت اصلی متوقف می گردد بلکه بدرجاتی از همان روابط قبلی و



شاید در سطوحی پست تر نزول و بازگشت می نمایند برنامه ها و وظائف جمعی و فردی مسلمانان چون نماز، روزه، و خصوصا انفاق و امر به معروف و نهی از منکر همگی از عوامل اصلی حفظ و نگهداری این حرکت عمیق فرهنگی در بطن جامعه مسلمانان است

پس روشن است که انقلاب فرهنگی با ویژگی‌هایی که ضرورت و اهمیت فوق العاده داشته و ریشه و پایه اصلی رسیدن به رشد تعلیم کتاب و حکمت است ابعادی بسیار وسیع داشته که به هیچ وجه محدود به دانشگاه نمی باشد تحقق انقلاب فرهنگی نیازمند به حرکتی است که باید در کل جامعه و مسلمانان در سه رکن عمده و اساسی جامعه یعنی خانه ، مدرسه و مسجد صورت گرفته، در نسلا ادامه یابد

بنابراین در خانه که کوچکترین واحد تشکیل دهنده يك اجتماع است باید برنامه ها و روش‌هایی در این جهت شکل گیرد و روابطی حاکم شود که فرد فرد جامعه مسلمین در مسیر تزکیه قرار گیرند و نیز چنین حرکتی باید در مدرسه که ذهن‌های آماده و پاک فرزندان اجتماع در آنجا شکل می گیرد ادامه یافته و دنبال گردد و مسجد نیز به عنوان محل اجتماع مسلمانان می‌بایستی برنامه‌ها و دستورات اصیل اسلام را در متن اجتماع نشر دهد در حقیقت نقش عمده اساسی، اینجا به عهده مسجد است که باید این انقلاب و تحول عظیم فرهنگی را هدایت کند و همینجاست که وظیفه اصلی علمای دین مشخص و روشن می گردد اگر علمای عامل به معیارهای اصیل اخلاقی

اسلام، فرهنگ صحیح و غنی تشیع را که همان فرامین الهی قرآن و سنت والای رسول اکرم و ائمه اطهار است دریافت نمود، ابتدا با عمل و سپس با بیان میان مسلمانان نشر و تبلیغ نمایند انقلاب و حرکتی فرهنگی در جهت تزکیه صورت می گیرد که می تواند راهگشای رسیدن به حکمت باشد

## ۳/۲ انقلاب آموزشی

اکنون با روشن شدن مفهوم انقلاب فرهنگی بهتر می توان تشخیص داد که حرکت عمده ای که می بایستی در دانشگاه ها صورت گیرد در حقیقت انقلاب آموزشی می باشد نه انقلاب فرهنگی، که محدود و مربوط به دانشگاه ها و نظام آموزشی است

اصولا هر دستگاه و نظام حکومتی می بایستی ابتدا اهداف کوتاه مدت و بلند مدت خود را تعیین و تبیین نماید سپس با توجه به هر یک از هدفها، نیازها و کمبودها را مشخص نموده طبقه بندی کند پس از این مرحله وظیفه دستگاه آموزشی سیستم است که بر اساس این نیازها برنامه ریزی لازم را در جهت تربیت و تعلیم نیروهای متخصص در هر مورد نموده بر این اساس عمل نماید، تا بتواند در زمانهای تعیین شده و از روی برنامه به مراحل از رشد و توسعه دست یابد با توجه به این مطالب روشن می شود که انقلاب آموزشی مستقیماً ارتباط با نیازها و اولویت های برنامه ریزی شده مملکتی دارد

دانشگاه و نظام آموزشی پس از انقلاب ما نیز دقیقاً به چنین تحول و تغییراتی احتیاج داشت از شعارهای اصلی و اساسی که بهنگام آغاز حرکت‌های با داعیه انقلاب فرهنگی عنوان می‌شد عدم هماهنگی دانشگاه‌ها با نیازهای مبرم تکنیکی مناسب با جامعه ایران و بویژه تامین خودکفائی و استقلال فرهنگی و علمی ایران از غرب علی‌الخصوص پس از انقلاب بود بکرات عنوان می‌شد که برنامه دانشگاه‌های کشور متناسب با نیازهای واقعی مملکت تنظیم نشده و پتانسیل لازم جهت تربیت نیروهای خلاق که صنعت مورد نیاز کشور را از حالت مونتاژ خارج نموده و به صنعتی مبتکر تبدیل نماید ندارند و روند کنونی آنها با وابستگی بیشتر صنعت کشور به صنایع خارجی هم‌راه است و لذا بایستی این شیوه حرکت متوقف شده و طرحی نو در راه رسیدن به خودکفائی علمی ریخته شود

هر چند مورد فوق، تنها دلیل اصلی به تعطیلی کشاندن دانشگاه‌ها نبود اما می‌توان گفت نیاز رسیدگی به مشکل مذکور تا حد زیادی احساس می‌شد و انتظار می‌رفت که در طی ۲ تا ۳ سال تعطیلی دانشگاه راه حلی اساسی در این زمینه ارائه گردد در مورد فعالیت‌های علمی ستاد انقلاب فرهنگی هنوز نمی‌توان به قضاوت نشست و بروشنی اظهار نظر نمود البته در دوران تعطیلی دانشگاه در زمینه‌های مختلف از سوی استادان دانشگاه‌ها کارهایی انجام گرفته است که از آن جمله، ترجمه و تالیف برخی کتب علمی است که رفته رفته در حال چاپ و انتشار می‌باشد اما مسلم است که فعالیت‌های ارائه شده نه تنها جوابگوی شعارها و ایدئال‌های

اساسی عنوان شده نیست، بلکه متناسب با ۲ تا ۳ سال تعطیلی دانشگاه نیز نمی باشد زیرا اکثر این فعالیتهای بدون برنامه ریزی دقیق و هماهنگ صورت گرفته اند و در مجموع می توان گفت که پس از این مدت تعطیلی طولانی بازدهی ناچیز و غیرمنتظره ای عاید شده است

از اینها گذشته برنامه های تنظیم شده برای موضوعات درسی که در رشته های مختلف تدوین می شدند نیز هنوز به نحو مطلوب جا نیفتاده اند البته این موضوعات و دروس خصوصاً در رشته های عملی و تجربی اکثراً همان موضوعات قبل از تعطیلی دانشگاه ها هستند و چیزی جز تغییرات ظاهری و روپنائی بچشم نمی خورد، تغییراتی که در اضافه و کم کردن چند درس و واحد و اعلامیه های شدداد و غلاظ انضباطی خلاصه می شود حال در اینجا این سؤال پیش می آید که آیا این تغییرات جزئی در حین حرکت دانشگاه، و یا با وقفه ای اندک امکان نمی داشت؟ آیا ضربه و ضایعه ای را که از نظر تربیت کادر متخصص و نیروی آینده ساز در این دو سال به کشور وارد شده با این تغییرات ناچیز قابل مقایسه است؟

کادر علمی دانشگاه ها نیز پس از بازگشائی متأسفانه دچار لطمات زیادی گشته است عده ای از اساتید که تحمل فشارهای اکثراً ناروایی را که به جامعه استادان وارد می شود نداشته اند مع الاسف به دانشگاه های خارج از کشور جذب شده اند همچنین مشکلات دیگر جامعه ما، از جمله مسائل اقتصادی و رفاهی نیز نمی توانستند در ادامه فعالیت استادان بی اثر باشد، چنانکه در اثر این مسائل تعداد قابل

توجهی از اساتید به کارهای خصوصی و اجرائی روآورده اند همچنین عده زیادی با برجسبهائی اکثر بی مورد حذف و رانده شده اند، و البته عده ای هم به حق تصفیه شده اند و آن عده از اساتید فداکار و مومنی هم که باقی مانده اند چنان بار سنگینی را بردوش می کشند که وقتی برای فراغت و مطالعه و تحقیق و بوجود آوردن جوی علمی و تحقیقاتی ندارند نصایح و هشدارهای بحق آیت الله منتظری در این باره لب کلام و جان مطلب را می رساند که عین صحبتهای ایشان کرارا از روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۳ ۱۱ ۶۲ نقل می کنیم

ایشان در رابطه با تند رویهای افراد افراطی در ارگانها و ادارات دولتی مجددا تاکید نمودند من با اینکه میدانم این افراد حسن نیت دارند و می خواهند خدمتی کرده باشند ولی بدانند که ضرر این تند رویها و دخالت کردن در کار مدیریت ها و انگ زدن به اساتید و افراد متخصص در کارخانجات و دانشگاه ها و سایر موسسات از ضرر ضد انقلاب کمتر نیست اگر بجای استفاده از استادان خارجی برای تربیت جوانان خو دمان از همین اساتیدی که در داخل کشور هستند و به کشورشان و انقلاب وفادارند برای تعلیم این جوانان استفاده کنیم بمراتب بهتر مثمرتر خواهد بود ما نباید از پیامبر اکرم ص و ائمه اطهار انقلابی تر باشیم آنان افراد را با آغوش باز می پذیرفتند و

به آبروی اشخاص محترم و حیثیت آنها احترام می گذاشتند اگر

کسی در گذشته لغزشی داشت توبه او را قبول می کردند

از سوی دیگر به سبب از میان رفتن کلیه فعالیت های جنبی در دانشگاه ها، آنچنان

که اشاره شد، دانشجویان فعلی توجه و تمرکز خاصی بر درس خواندن به عنوان تنها

هدف در این مقطع از زندگی خود داشته و با شدت و حدت تمام برای به پایان بردن

دوران دانشجویی خود میکوشند

در مقابل، درسهای عرضه شده پس از بازگشائی دانشگاه در بسیاری رشته ها، از

حجم به مراتب بیشتری نسبت به زمان قبل از انقلاب فرهنگی برخوردار بوده است در

ارزیابی این شیوه از دیدگاه علمی گرچه می توان افزایش حجم درسی را بطور عام،

عاملی در جهت بالا برده معلومات دانشجویان به حساب آورد، لیکن باید متذکر آن شد

که ارتقاء سطح علمی دانشگاه ها، بشرطی با افزودن مطالب بیشتر حاصل می گردد

که با برنامه ای حساب شده و متناسب با امکانات تحقیقاتی و آزمایشگاهی نیز همراه

باشد اشکالات و زیانهای تراکم بی رویه حجم دروس و بالنتیجه بازداشتن دانشجویان

از توجه و تفکر در سایر امور و شئون مختلف از جمله سیاسی و اجتماعی خود حائز

اهمیت و محتاج بحث دیگری است که خارج از موضوع علمی آن می باشد

۳ راه حل مسایل دانشگاه ها

۱۳ دانشگاه علم و دین

با نگاهی دقیق تر در لابلاي سطور مبارزات پيش از انقلاب اسلامي هميشه دو جريان بارز فكري كه ملهم از ايدئولوژي اصيل اسلامي مي باشند به چشم مي خورد جرياني كه از دانشگاه برخاست و جرياني كه از فيضيّه نشات گرفت سیر تاریخی، سياسي، اجتماعي و مبارزاتي جريان اول را در ابتدا دیدیم كه چگونه دانشگاهي كه به سبب ارتباط با علوم و فنون و افكار جديد به هر گونه تفكر مذهبي بدیده تحقير مي نگريست و افكار و عقايد مختلف انحرافي از هر سوء در آن مایه مي گرفت رفته رفته با مباني اصيل تفكر اسلامي آشنا شد و تحولي فرهنگي و دروني صورت گرفت، چنانكه جو حاكم فكري پيش از انقلاب اسلامي در اكثر دانشگاه ها كاملا به نفع دانشجويان مسلمان و مومن بود نشانه بارز اين تحول و دگرگوني فرهنگي مقايسه وضع حجاب دختران دانشجو در سالهاي دهه اوليه تاسيس دانشگاه و سالهاي دهه آخر پيش از پيروي انقلاب است

اين تحول تكامل بخش چيزي جز نتيجه همياري دو نيروي علم و دين نبود گرايش دانشجويان به درس ديني و كسب فرهنگ مذهبي و ايدئولوژي استوار و مدون و توجه طلاب علوم ديني به علوم و فنون جديد و شكافتن تجر و تعصب فرهنگ نظري، پيكاني خواهد ساخت كه قدرت شكافتن موانع سازندگي را بخوبي داراست ما با تجربه هائي كه در ابتدا ذكر شد امروز بخوبي مي دانيم كه هرگاه اين دو جريان اساسي اسلامي در کنار هم قرار گرفته و با هم كار کرده اند هر يك نقاط ضعف ديگري

را پوشانیده و حرکتی کامل و دارای ابعاد مختلف را به پیش برده اند که بارزترین مثال همکاری و همگامی این دو حرکت در انقلاب اسلامی ایران است

دیدیم، آنگاه که طالقانی و بازرگان و مطهری در کنار هم به بررسی و توضیح مسائل اسلامی پرداختند چگونه در طی بیست سال ثمراتی فرهنگی بوجود آمد و الگوی ارزنده ای چون شریعتی تربیت شد دیدیم که چگونه زمینه های فرهنگی و فکری انقلاب اسلامی رفته رفته آماده گشت و جامعه طاغوت زده و تحت سلطه دو هزار و پانصد ساله استبداد در سال ۱۳۵۷ با آغوش باز با استقبال ارزشهای اصیل اسلامی شتافت در همان سال آخر پیش از پیروزی انقلاب نیز از برجسته ترین نقشهای امام همین ایجاد وحدت میان گروههای مختلف روشنفکر و مذهبپون و کشانیدن همه آنها به زیر یک چتر در راه مبارزه با استبداد و استعمار بود

در هر صورت تاریخ نیم قرن مبارزات ملت ما همیشه گویای این حقیقت بوده است که هر گاه این دو جریان با هم و در کنار هم حرکت کرده اند منشاء اثرات و تحولات سودمند عمیق و بزرگی بوده اند و هر گاه از یکدیگر جدا شده و بر هم تاخته اند نه تنها پیشرفتی حاصل نشده، بلکه به ورطه شکست و تباهی افتاده اند

پس از پیروزی انقلاب اسلامی لزوم این همبستگی و همکاری و همسوئی بمراتب بیشتر احساس می شود چرا که انقلابی که داعیه رهایی از سلطه مستکبران و دستیابی به استقلال و خود کفائی اقتصادی را دارد مسلماً بایستی با چراغ ایمان راه را بیابد و با مرکب علم در آن حرکت کند علت اصلی به سلطه درآمدن ملت های



مسلمان دنیای امروز نیز فقدان همین دو رکن اساسی یعنی ایمان و علم است ایمان انسانیت را بسوی نور و هدف والایش رهنمون می سازد و علم سالک راه ایمان را از قدرت لازم برای حرکت و مقابله با عوامل بازدارنده اش برخوردار می سازد

ملت ما پس از انقلاب و تحول فرهنگی بیش از هر چیز احتیاج دارد تا از سلطه تکنیکی ابر قدرتها خارج شود و این جز با رشدی سریع در زمینه های علمی و عملی هرگز میسر نیست همینجاست که لزوم همکاری و همگامی این دو جریان که یکی تخصص و تبحر در علوم دینی و الهی داشته و دیگری در عین مسلمان و مومن و معتقد بودن عالم به علم زمان است به خوبی نمایان می گردد بایستی ایندو برادر دست در دست هم داده با تمام توان به پیش برانند تا جامعه ای سالم و نیرومند اسلامی بوجود بیاید و تنها در این صورت است که بقای انقلاب تضمین گشته و میتوان به آینده ای امیدوار کننده چشم دوخت

پس از انقلاب فرهنگی حداقل خواست و انتظار این بود که این رسالت مهم بنحوی مطلوب به انجام رسد با اینکه لازمه جزایات فکری و اجتماعی آنست که با سیر طبیعی خود حرکت کرده رفته رفته و تدریجا در متن هر جامعه رواج یابند، اما در عین حال انتظار می رفت که پس از دو سال و نیم که از تکرار شعارهای اسلامی کردن دانشگاه ها و مکتبی نمودن آموزش عالی و میگذشت بعنوان اولین گامها، برنامه ای متناسب با دانشگاه اسلامی در زمینه های فکری و پیوند بین دین و دانش ارائه

گردد

اما متأسفانه پس از بازگشایی دانشگاه‌ها، تنها فعالیت مشخص که در این زمینه به چشم می‌خورد تدریس جزواتی بود که بصورت ترکیبی عجولانه از میان بعضی کتابهای موجود انتخاب شده بودند که به اعتراف خود مسئولین نیز متناسب با خواست و نیازهای جامعه امروز دانشگاهی نیستند. متأسفانه جوی هم‌که در دانشگاه‌ها حاکم شده است جو آزاد و سالمی نیست که دانشجویان بتوانند بدون واگم مسائل مورد نظرشان را به بحث گذارند و از راه برخورد صحیح عقاید و اعتقادات و با کمک ارشادات و راهنماییهای لازمی که از روی آگاهی و بصیرت به روحیه دانشجویی ابراز گردد به سوی هدف اصلی یعنی رشد و تعالی پیش بروند. مسئولین انقلاب فرهنگی و همچنین آن دسته از دانشجویان صادقی که آرزوی محیط دانشجویی اسلامی در دانشگاه‌های کشور را در سر دارند باید توجه کنند و بپذیرند که تا وقتی فضائی باز و سالم در دانشگاه‌ها ایجاد نگردد، تا دانشجو نتواند با احساس شخصیت و با علاقه، خوددرپی خواسته‌های اجتماعی و مذهبی اش برود، هر کوششی در جهت اجبار او به پذیرفتن عقاید مذهبی نه تنها اثر مثبت و سازنده ای ندارد بلکه در بسیاری موارد اثری منفی و سوء داشته و دانشجو را به نوعی لجاجت و معارضه درونی و نهایتاً عصیان بارز می‌کشاند. همچنین باید توجه داشت که در مسائل فکری هرگز نمی‌توان انتظار تحولات شدید و سریع داشت، بلکه به عکس در این امور لازمست با سعه صدر و صبری پامبرانانه قدم برداشت و امیدوار به هدایت خداوندی

بود

تنها با توجه به شیوه حرکت پیامبر اکرم ص وائمه معصومین علیهم السلام که بدستور قرآن عمل نموده و بدین دلیل در قلبها نفوذ کرده اند میتوان به این مهم نائل شد خصوصاً که اسوه ها و نمونه های بارزی چون مدینه مطهره پیامبر اکرم ص و جامعه امام صادق ع در دست است که اولی مهد شکل گرفتن فرهنگ اسلامی در آزادی کامل صحیح در جامعه جاهلی و دومی مهد پرورش علم و تمدن در دوران تاریخ خلافت عباسی بوده و اثرات عمیق حتی در تفکرات تمدنهای عظیم غیر اسلامی داشته و شاگردان با ارزشی به جامعه بشری عرضه نموده است

اساتیدی که برای تعلیم علوم اسلامی به دانشگاه می آیند بایستی جدا به این روش بها داده و خود اسوه و نمونه باشند نه تنها از غنای علمی و فرهنگی برخوردار باشند بلکه دارای اخلاق اسلامی بوده بدور از تنگ نظری با سعه صدر به محیط دانشجویی قدم گذارند معلم اخلاق و معیارهای اصیل و غنی فرهنگ اسلامی باشند با کلام قرآن که نفوذش در دلها به مراتب بیش از هر کلام دیگری است با دانشجویان سخن بگویند به محیط خاص دانشگاه توجه نموده در نظر داشته باشند که دانشگاه محیط کسب علم و تکنیک جدید و آخرین پدیده های علمی زمان است پس بایستی از مطالعات و تحقیقات متناسب جنبی برخوردار باشند از پرداختن به مسائل کاملاً جزئی و تخصصی فقهی که حتی مورد بحث و اختلاف علمای فقه می باشد و ارتباطی به محیط دانشگاه ندارد پرهیز نموده رابطه موضوع بحثها را با زمان و مکان در نظر بگیرند بطور خلاصه باید گفت که ملازمت و همبستگی دو نیروی سازنده و مکمل

ایمان و علم تنها راه نجات از هدر رفتن نیروهای جوان و پویاست و اولین قدم ایجاد چنین همبستگی از بین بردن جو تنگ نظری، بدبینی و دعوت آزادانه دانشجویان به مباحثات مذهبی و دینی و تشویق طلاب علوم دینی به کسب علم و آشنائی با علوی و فنون متناسب با زمان است که با جذب نیروهای متخصص و دادن امنیت و آزادی به افکار رفته رفته میتوان چنین جوی را پدید آورد و این دودست قدرتمند را بآرامی به هم سپرد و با دلگرمی پیش راند

آری از همین طریق بود که مردانی چون طالقانی و مطهری از جریان فکری حوزه و بازرگان و سحابی از جریان دانشگاه با هم همگام و همسفر شدند و با پیدایش الگوهای عینی چون شریعتی و چمران نمونه روشن و بارز روشنفکران مسلمان و متعهد در دانشگاه پدیدار گشت و به جامعه ارائه شد

## ۲/۳ دانشگاه و آزادی

هنگامی که صحبت از آزادی در محیط دانشگاه میشود، قبل از هر چیز باید توجه داشت که هدف و مقصود نهائی، فراهم آمدن محیطی بدور از هرگونه تعهد و مسئولیت، همراه با بی بند و باری و هرج و مرج نیست تجربه تلخ اینگونه تشنت و تدریجها را در دانشگاه ابتدای انقلاب دیده و تلخی آنرا بوضوح چشیدیم

اما راه مقابله با چنان جوی هرگز افتادن از آنسوی بام نیست و این نکته اساسی  
نباید فراموش شود که آزادی فکر و اندیشه در محیط دانشگاه از عوامل مهم رشد و  
شکوفایی استعدادها و تشویق و ترغیب جو فعالیت و کوشش است  
پس از انقلاب فرهنگی با ادعای اسلامی کردن محتوی دانشگاه انتظار میرفت که  
حداقل محیطی آزاد برای برخورد سالم و پرورش افکار وجود داشته باشد چرا که  
اسلام همواره حامی محیطی آزاد و بدور از هر گونه فشار فکری است و در این راه نه  
تنها سفارش نموده بلکه خود عاملی صادق نیز بوده است خود قرآن گویاترین نمونه  
بحث و برخورد آزاد عقاید است قرآن اصرار دارد همه جا ایرادها، اشکالها و حتی  
استهزاءهای مخالفین و منکرین را صریحا بازگو کرده با توجه به آنها جواب دهد و  
قضایاتهای منصفانه کند مخالفین و منکرین نه تخطئه می‌شوند و نه تهدید بلکه از آنها  
مطالبه برهان مینماید در تاریخ نیز می بینیم که افکار مخالف در بستر جامعه اسلامی  
با آزادی به خودنمایی می‌پردازند در حکومت‌های اسلامی هم بسیاری از علمای  
یهودی و مسیحی در متن رژیم و مرکز خلافت دارای عزت و بزرگی و احترام هستند  
این دانشمندان در مجالس و سمینارهای مذهبی یا بزرگان معصومی همچون امام  
صادق آزادانه بحث می‌کردند و با سعه صدر با آنها مناظره صورت می‌گرفت علمای  
مذاهب می‌توانستند حتی در رد کردن اسلام بحث کرده و کتبی به مقابله با قرآن  
بنویسند و این برخورد در اوج حکومت اسلامی و در کمال آزادی صورت می‌گرفت  
بسیاری مانند ابوالعلا، ابن ابی العوجا و سایر دهریون در مجامع اسلامی به بحث

می‌نشستند و نتایج آن مباحثات را امروزه در کتب احتجاجات می‌بینیم و این آزادی فکر که از قرن اول تا چهارم حاکم بود همه و همه دلیل بر اینست که اسلام تحمل افکار مخالف را بدلیل غنای فرهنگ خویش داراست تنها کسانی از مطرح شدن نظریات مخالف بیم دارند و کسانی افکار را محدود به چهار چوب کرده، کانالهای فکری ایجاد میکنند که از استواری فرهنگ خویش بیمناکند و ترس شکست در دل دارند

اسلام با سعه صدر و گذاردن راهنماها و عطا کردن اندیشه ای آزاد، اکراهی در دین قرار نداده و سرنوشت انسان را بدست خویش سپرده است و هیچ انسانی را در تنگای اندیشه های مخلوق انسانهای دیگر زندانی ننموده است پیامبر اکرم ص می‌فرماید ولا تكونوا فی شیئی من حالاتکم مکرهین<sup>9</sup> قرآن کریم در طریق ارشاد و هدایت مردم دستور میدهد که ادع الی سبیل ربك بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن<sup>10</sup> و در مقابل هجوم نظریات مخالف می‌فرماید و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجرا جمیلا<sup>11</sup>

تفکر اسلامی بیانگر این نکته است که الطرق الی الله بعدد نفوس الخلائق<sup>12</sup> و انسان اجباری در پذیرفتن طوق بندگی و تقلید کورکورانه از دیگران و در نتیجه قرار گرفتن در حصارهایی انسان ساخته را ندارد و تاکید پیامبر اسلام بر اختلاف امتی رحمه<sup>13</sup> ناظر بر همین تفکر است چه اختلاف را به معنای برخورد عقاید بگیریم و یا آنرا بمفهوم آمد و رفت تلقی کنیم زیرا در آمد و رفت نیز برخورد عقاید بوجود می‌آید و آشکارا به ما میگوید که ملتی با تفکر الگوئی و قالبی در حقیقت ملتی مرده هستند

اختلاف نظرها، جو مباحثه و تبادل افکار است که ضامن رشد، تعالی و تکامل اندیشه‌هاست و دانشگاه اسلامی چیزی جدای از این مقوله نیست باید بدانیم و بپذیریم که کنترل ورود هر فکر و نغمه مخالف سرپوش گذاشتن روی اظهار نظرها و بیان عقاید و به بند کشیدن و تکفیر نظریات گوناگون نتیجه ای جز مردن استعداد، ابتکار و ذوق دانشجو در بر ندارد و در نهایت دانشگاه را بدل به مکتب خانه ای می کند که شاگرد چشم و گوش بسته و بی اراده می پروراند، شاگردی که در برخورد با اولین نسیم مخالف بدلیل نداشتن تجربه و رویارویی با نظریات متفاوت و مباحثات سازنده متزلزل شده و خود باختگی نشان میدهد چنین دانشگاهی هرگز قادر نخواهد بود در زمینه‌های علمی دست بابتکار زده و کادر علمی لازم را برای سوق کشور بسوی خود کفائی تربیت نماید

نقطه نظرهای استاد شهید مطهری در این زمینه بخوبی بیانگر این مطلب است خیال نکنند راه حفظ معتقدات اسلامی جلوگیری از ابراز عقیده دیگران است از اسلام فقط با يك نیرومی شود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن بافکار مخالف و مواجهه صریح و روشن با آنها هر مکتبی که به ایدئولوژی خود ایمان و اعتقاد داشته باشد، ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و تفکر باشد<sup>14</sup>

و حتی استاد شهید پیشنهاد کرده بودند که برای تعلیم و مطرح کردن مکاتب دیگر

از استادان آن مکاتب برای تدریس دعوت بعمل آید

اما لازمه آزادی فکری و برخورد سالم آراء و عقاید امنیت قضائی واداری کامل برای صاحبان آرای مخالف و اعتراضات است و همینکه دانشجو یا استاد احساس کند که در صورت اختلاف و عدم تبعیت از جو حاکم نه تنها اخراج خواهد شد بلکه امکان ادامه زندگی سالم از او سلب میگردد صحبت از آزادی برخوردها و عقاید حرفی پوچ و بی محتوا خواهد بود

بطور خلاصه باید گفت که هدف از آزادی محیط علمی چیزی جدای از افسار گسیختگی و بی بند و باری و تشنیت آفرینی است امکان اظهار نظر و مطرح کردن اندیشه‌ها در چهارچوب قوانین و ضوابط حاکم بر دانشگاه، بدون لطمه زدن به حقوق دیگران و بدون مخدوش کردن هدف اصلی دانشگاه تنها ضامن استقلال و بقای محیط علمی و رشد و تعالی افکار و پرورش شکوفائی استعدادها است استعدادهائی که تك تك آنها مهره ای موثر در بحرکت در آوردن چرخهای امروز و فردای کشورند

## ۲۲ انتخاب دانشجو

نکته دیگری که لازم است در اینجا ذکر شود مسئله انتخاب دانشجو است هدف اصلی از تحصیلات و آموزش دانشگاهی حکم می کند افرادی که در جهت بالا بردن نیروهای فکری و تخصصی و سطح فرهنگ و دانش خود و جامعه کوشش می‌کنند از دیگران داشته اند برای ورود به دانشگاه انتخاب شوند و خانه ای که جایگاه علم است



بیشک کسانى را خواهد پذیرفت که در جهت غناى علمى و فرهنگى خود شتاب و اوج  
بیشترى داشته اند داشتن تنگ نظرى درگزينش دانشجو و کانال بنديها و سهميه  
بنديهاى مختلف در مرحله کنکور دانشگاه ها، گروههاى را با سطح معلومات و سواد  
متفاوت در کلاس گرد آورده و عده اى را همچنان به انتظارى بی پایان پشت درهاى  
دانشگاه نگهداشته است و این دسته بنديها و تنگ نظرها، دادن اولويتهاى بيجا و  
بیمورد، بينظمى و بی برنامگى در تصحيح اوراق و اعلام اسامى در آزمونهاى کنکور و  
حتى اعزام دانشجو به خارج نیز بروشنى نمایانگر حق کشى ها و تنگ نظرهاى غير  
عادلانه و غير شرعى است

#### ۴ ۳ انتخاب استاد

همانگونه که در مباحث دیگر ذکر گردید از جمله موارد مهم که مى بايستى مورد  
توجه قرارگیرد، عامل استاد مى باشد شرایط و چگونگى انتخاب استاد پس از  
انقلاب فرهنگى و بازگشائى دانشگاهها یکى از موارد اشکال آفرین و موجب عدم  
تفاهم بين مسئولین بوده است بخوبى نمایان است که يك دانشگاه موقعى مى تواند  
در جهت رفع نیازهاى اجتماع گا م بردارد که بتواند فارغ التحصيلانى با دانش روز و خلاق  
تربيت کند به همین خاطر مسئولیت خطير استادى نمى تواند به هر شخصى محول  
گردد يك استاد تا دانش و تخصص لازم و علم تدریس را فرا نگرفته باشد عمل وى و  
محصول دانشگاه پوچ و بیهوده مى باشد

لذا باید تغییراتی در شرایط انتخاب بوجد آورد، فیلترهای بیمورد و بی جایی که در گزینش استاد وجود دارد حذف گردد و آنان که وجدان کار و علاقه به تعلیم و تدریس دارند به صحنه برگردند. اینان سرمایه های راکد مملکت هستند و نمی توان بخاطر اشتباهات و ایهامات گذشته امکان تغییر و تدریس را از آنان گرفت. مگر دانشجویان ایرانی که در خارج از کشور تحصیل می کنند توسط چه استادانی تعلیم میگیرند؟ آیا این تفاوت در سیاستها خود سوال برانگیز نیست؟ هدف از تحصیل دانشجویان در خارج از کشور جز تحصیل علم چیست؟ آیا هدف از تحصیل در دانشگاه های داخل تحصیل علم نیست؟

مشکل عمده و اصلی در مورد کادرهای علمی دانشگاه ها کمبود استاد نیست بلکه سیاستهای غلط در جذب استاد و نگرش ناصحیح<sup>15</sup> به جامعه استادان و برخوردهای شعاری با این مسئله عامل اصلی و اساسی است. مسلمانان تا زمانی که عدم اطمینان شغلی و برخوردهای غلط و غیر منطقی با نقش استاد و علم ادامه دارد و عده زیادی از دانشگاهیان خروج از دانشگاه و پناه بردن به شغل های آزاد را به دانشگاه ترجیح می دهند و همچنین نیروهای متخصص مسلمان و معتقد ولی غیر موافق با سیاستها و روشهای دولت از دانشگاه طرد می شوند انتظاری برای جذب آن دسته از نیروهای متخصص که در خارج از کشور می باشند نمی توان داشت<sup>16</sup>

خوبست باز هم نظر آیت الله منتظری در این جا نقل کنیم

من کرارا گفته ام گرچه این برادران سوء نیتی ندارند ولی باید توجه کنند که ما امروز کمبود نیرو داریم نباید به بعضی از مسائل گذشته افرادی که فعلا نادم هستند و می خواهند خدمت نمایند توجه کرد و آنها را علم نمود اگر استاد یا دانشجو و یا کارمندی در گذشته اشتباه و یا انحرافی داشته و مثلا به خیال این که رژیم شاه همیشگی است بعضی کارها را انجام داده ولی اکنون باور کرده که انقلاب شده و می خواهد واقعا به کشورش خدمت کند و آثار توطئه یا تبلیغ علیه اسلام و انقلاب از او دیده نمی شود نباید او را طرد کرد باید از تخصص و علم و تجربیشان به نفع کشور و انقلاب اسلامی استفاده نمود شما ملاحظه کنید پیامبر اسلام در بدو بعثت و پیروزی اسلام به خاطر نیاز و کمبودی که وجود داشت چگونه از افرادی که حتی سوابق فساد و انحراف داشته اند ولی تسلیم اسلام و مسلمانان شده بودند بهره برداری می کرد و مثلا آنها را به تعلیم خط و دانش به مسلمانان وامی داشت روزنامه

جمهورية اسلامی شنبه ۱۴ ۸ ۶۲

ایشان در فرصت دیگری مجددا باین مسئله مهم اشاره کرده اند

یکی از مسائلی که باید دانشجویان ما فوق العاده به آن توجه کنند بعد علمی دانشگاه هاست ما اگر بخواهیم در تمام امور مستقل و

خود کفا باشیم و احتیاجمان به خارج قطع شود باید دانشگاه‌هایمان

از نظر علمی غنی و عالم پرور شوند و ترتیبی دهیم در تمام امور

مورد نیاز کشور، خودمان فکر کنیم و متخصص تربیت کنیم

و در همین رابطه از انجمن اسلامی دانشگاه‌ها خواستند که بیش از پیش جاذبه

داشته باشند و حتی المقدور اساتیدی را که در گذشته احیاناً لغزشی داشته‌اند و

اکنون می‌خواهند تدریس کنند و به دانشگاه خدمت کنند به آنان مجال تدریس و تربیت

دانشجو بدهند و آنها را جذب انقلاب کنند و انجمن‌های اسلامی کاری کنند که پناهگاه

اینگونه افراد باشند نه اینکه افراد از انجمن اسلامی وحشت داشته باشند روزنامه

جمهوری اسلامی پنجشنبه ۱۸ ۱۲ ۶۲

با توجه به کلام فوق و نظریات کاملاً مشابه دیگری که بارها از سوی امام و دیگر

مسئولان مملکتی ابراز می‌شود معلوم نیست چرا افرادی با بینشها و اهدافی نامعلوم

همچنان به روند ناصحیح کنونی دامن می‌زنند و چه مقاصدی را از این راه دنبال

مینمایند؟

## ۲۵ مدیریت دانشگاه‌ها

از مسائل عمده دیگر که در میزان بازدهی و حرکت صحیح دانشگاه‌ها تاثیر عمده و

مستقیم دارد، نحوه مدیریت در دانشگاه‌ها می‌باشد نظام مدیریت در هر سیستمی از

نقش تعیین کننده و حساس برخوردار است چرا که اگر تمام اجزاء يك نظام هم‌داری

کیفیت مطلوب و سلامت لازم باشند تا وقتی که هماهنگی کافی میان این اجزاء

فراهم نیاید هرگز نمیتوان انتظار نتیجه گیری مطلوب از سیستم را داشت

متأسفانه با گذشت پنج سال از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز مسئله مدیریت در

اکثر نهادهای مملکتی مسئله عمده و اساسی را تشکیل می دهد عملاً برخوردهای

گروههای مختلفی که برای کسب قدرت در هر محل به وسائل مختلف و از راههای

گوناگون میکوشند باعث عدم تمرکز صحیح قدرت برای هماهنگی و نظم دادن کارها در

مجرای صحیح خود می باشد به همین دلیل در اکثر موارد شعار به جای شعور و عمل

عقلانی حاکم شده و هر گروه می کوشد با تمسک شعارهای مختلف خود را لایق و

محق برای در اختیار گرفتن قدرت جلوه دهد دانشگاهها نیز از این روند کلی مستثنی

نبوده اند در بیشتر دانشگاهها یا مرجع مدیریت روشن و مشخص نیست و عمل نمی

کند و یا دائماً در حال تغییر و تحول است هر چند ماه رئیس جدیدی تعیین و معرفی

شده است اما پس از مدتی مجدداً با شکست مواجه شده و جای خود را به شخص

دیگری داده است و هرگز نخواسته اند بپذیرند که باید بینش حاکم را عوض کرد و گرنه

تغییر اشخاص با عدم تغییر بینش دردی را دوا نمی کند

این مسائل و مشکلات در نحوه مدیریت مانع بوجود آمدن روندی صحیح، مشخص و

مستمر می گردد و کارآئی آموزشی هر دانشگاه را سخت دچار اشکالات عمده و

اساسی مینماید و اجازه نمی دهد سیاست و روش خاصی برای رسیدن به اهداف

آموزشی دنبال گردد متأسفانه این روند همچنان ادامه دارد و بنظر می رسد مشکلات

عمده سیاسی مملکت و همچنین برخوردهای نا صحیح سیاسی عملا از هر گونه بهبودی در زمینه مدیریت و نظام اداره دانشگاهها جلوگیری می کند

در هر حال آنچه معقول و منطقی بنظر می رسد اینست که رئیس هر دانشگاه و یا دانشکده به وسیله هیئت علمی همان مراکز و از میان سابقه داران دانشگاهی پیشنهاد گردد تا اولاً مورد قبول اساتید و کادر علمی دانشگاه واقع شود و ثانیاً با مسائل علمی و مشکلات دانشگاهی آشنا باشد و سپس به وسیله وزارت علوم با هر ارگان تصمیم گیرنده دولتی منصوب گردد، تا بتواند با سیاست های آموزشی تعیین شده از سوی دولت که با در نظر گرفتن نیازهای اساسی مملکتی تعیین می شود هماهنگی نماید تا دانشگاهها با برنامه ریزی کلی مملکتی حرکت نمایند

### جمع بندی

دانشگاههای ایران بحق نقش بسزائی در مبارزات نیم قرن اخیر ملت ایران علیه استبداد و استیلاى خارجی ایفا نموده است پیشگامان این مبارزات حتی در سخت ترین شرایط سنگر مبارزه را در دانشگاهها از دست نداده اند ریشه های حرکت نوین اسلامی بعد از شهریور ۱۳۲۰ در شرایطی که افکار الحادی و مارکسیستی در جامعه روشنفکری حضور گسترده داشت بتدریج در دانشگاه رشد کرد پیشگامان نهضت اسلامی ایران مرحوم آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان، استاد شهید مطهری و معلم بزرگ انقلاب دکتر علی شریعتی، و همفکرانشان هر يك بسهم خود در غنی ساختن

فرهنگ اسلامی و گسترش مکتب انسان ساز اسلام در بین قشر تحصیلکرده دانشگاهی نقش برجسته ای داشته اند بعد از ورود روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی به صحنه مبارزه و قیام خونین مردم مسلمان در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ که بحق نقطه عطفی در استراتژی مبارزات ملت ما بوده و پس از آن مبارزات سیاسی\_علنی به مبارزات مسلحانه و مخفی تبدیل شد، این فرهنگ گسترش و عمق یافته و نهال مبارزات ملت بتدریج شکوفه های خود را نمایان می سازد گسترش و عمق مبارزات مردم کشورمان در داخل و خارج کشور خصوصاً پس از سالهای ۱۳۵۴ و شرایط عینی داخل و خارج کشور و همگامی و وحدت دوجریان اسلامی برخاسته از دانشگاه و فیضیه رفته رفته زمینه های پیروزی انقلاب اسلامی را در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ فراهم ساخت

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی افراط و چپ روی گ روههای سیاسی در دانشگاه ها مقام و موقعیت و حرمت دانشگاه لطمه زد و بهانه ای بدست انحصارگران داد تا بنام انجام انقلاب فرهنگی بیش از سه سال دانشگاه های ایران را بتعطیل کشانیده و از این اقدام بعنوان اهرمی برای تحقیر دانشگاهیان و قشرهای تحصیلکرده جامعه، حذف رقیبان سیاسی و حاکمیت خود استفاده کنند کارنامه سه سال تعطیل دانشگاه ها بر اساس کارهای ارائه شده چیزی جز بعضی تغییرات ناقص در برنامه آموزشی دانشگاه ها نیست که این امر بخوبی میتوانست در ضمن ادامه فعالیت دانشگاه ها نیز انجام شود توقف فعالیت دانشگاه ها لطمه بزرگی بر بنیه علمی کشور بویژه تربیت

کادرهای متخصص لازم برای دوران سازندگی بعد از انقلاب زده است گرچه بازگشائی و یا نوگشائی دانشگاه ها مورد استقبال و موجب خوشوقتی علاقمندان بکشور و انقلاب است ولی آنچه مایه تاسف است جو حاکم بر مدیریت، انتخاب استاد و دانشجو، برنامه آموزشی فضای سیاسی \_ اجتماعی موجود در دانشگاه ها می باشد که مسائل و مشکلات فراوان را پی آورده است مهمترین این مسائل فضای ترس و وحشت و جو سازی در محیط دانشگاه است بطوریکه اکثر دانشجویان و اساتید بی تفاوت شده تنها کار مکانیکی و روزمره خود را دنبال نموده از پرداختن برسالت اجتماعی و سیاسی خود دست کشیده اند

متأسفانه فضای سیاسی دانشگاهها آنقدر بسته و محدود شده است که حتی کوشش جمعی از دانشجویان و اساتید وابسته به حزب حاکم در جریان انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی برای وادار کردن دانشجویان و اظهار نظر و عمل در این زمینه نیز نتوانست حتی تعداد محدودی از دانشجویان را از بی تفاوتی خارج کند بنظر ما آزادی خصوصاً آزادی اندیشه و بیان که یکی از آرمانها و شعارهای اصیل مردم ما در انقلاب بوده و از متن اعتقادات اسلامی و مبانی قرآنی سرچشمه گرفته است<sup>17</sup> و ضامن شکوفائی استعدادها و خلاقیت آحاد ملت و حل بسیاری از مشکلات سیاسی \_ اجتماعی مملکت است در محیط دانشگاه ها ضرورت ویژه ای دارد دانشجویی که رسالت سنگین ساختن فردا را بردوش دارد، بیشك برای انجام چنین رسالتی نیازمند محیطی آزاد است تا با ساختن شخصیت خود و شکوفائی



استعدادهایش توان لازم برای برخورد با مشکلات آینده را کسب کند بدون تردید فارغ التحصیلان محیط اختناق و سانسور نه تنها به لحاظ عملی بلکه به لحاظ تشخیص نیز از آنچنان رشدی برخوردار نخواهند بود که بتوانند پاسخگوی نیازهای وسیع و عمیق مملکت ما بعد از انقلاب باشند

\* \* \*

در پایان یادآور میشویم که حل مسئله دانشگاه با توجه به سوابق تاریخی و ریشه ای که در جامعه ما دارد از اهمیت بسیاری برخوردار است و ضرورت بازنگری عمیق تر مسائل دانشگاه و بررسی محورهای ذکر شده در این مجموعه بیش از پیش به چشم میخورد

امیدواریم با توجه مسئولین و دست اندرکاران و دانشجویان، دانشگاه در مسیر صحیح خود قرار گرفته و با حرکتی پویا بسوی تحقق آرمانهای اصیل انقلاب اسلامی و مردم فداکار این مرز و بوم گام بردارد، اگر خدا بخواهد

اللهم وفقنا لما تحب وترضی

زهنت آزادی ایران

بهمن ۱۳۶۳

## از انتشارات نهضت

### برخورد با نهضت و پاسخهای ما

این کتاب پاسخی به انتقادات - حملات و تهمت‌هایی است که طی چهار سال بعد از

پیروزی انقلاب به نهضت آزادی ایران زده شده است

۱۱۲ صفحه - قیمت ۱۲۰ ریال

در صفحه ۱۴ کتاب آمده است

البته مدافعینی هستند که افتخار میکنند حجاب همه جایی شده، نماز و روزه و

جمعه عمومیت یافته و مظاهر کفر و گناه از ایران انقلابی رخت بر بسته است درست

اما آیا عبادت و اطاعت ظاهری و اجباری يك پول ارزش دارد و آن چیزی که پیش خدا

ارزش نداشت آیا در کار دنیا خاصیت و بقا میتواند داشته باشد؟ خدائی که گفته است

لا اكرهه فی الدین و حامی آدم و دوستدار بندگانش بوده خواسته است آنها هم

داوطلبانه و عارفانه و عاشقانه بدرگاهش رو بیاورند آیا زورش و عقلش نمیرسید که از

پیغمبران بخواهد دینش را تحمیل کنند؟

## از انتشارات نهضت

### بررسی سفرهای زر

این کتاب تدوین و تفصیل سخنرانی آقای دکتر ابراهیم یزدی پیرامون سفر ژنرال

روبرت هایزر مرد شماره ۲ پیمان ناتو و معاون ژنرال هیگ وزیر اسبق دفاع آمریکا است

این کتاب به سئوالات زیر پاسخ می‌گوید

هایزر برای چه به ایران فرستاده شد؟

چه ماموریت‌هایی را بر عهده داشت و چه کارهایی انجام داد؟

در آن روزهای بحرانی و حساس تاریخ کشورمان وی چه نقشی ایفا کرد؟

اثرات انجام ماموریت‌های وی در روندهای بعدی انقلاب و حوادث و رویدادها چه

میباشد؟

تعداد صفحات ۹۴ صفحه، ۱۰۰ ریال

پاورقی

---

<sup>۱</sup> - آیه ۱۱ سوره مجادله خدا آنهایی را که ایمان آورده اند و کسانی را که دانش

یافته‌اند به درجاتی برافرازد، و خدا به کارهایی که می‌کنید آگاه است

<sup>۲</sup> - یوسف ۷۶ درجات هر که را خواهیم بالا بریم و خداوند علیم برتر از هر صاحب

علم است

---

3- هنگامی که ابرهای تیره فتنه بر ۹ سان شب دیجور بر شماره راه های هدایت و

سعادت را پوشاند پس بر شماست رساندن خود به قرآن

4- شهید چمران مصاحبه با روزنامه کیهان ۱۹ ۶ ۵۸

5- مدافعات مهندس بازرگان صفحه ۸۸

6- شهید دکتر چمران، مقاله «۱۶ آذر بیاد حماسه مقاومت دانشگاه و سه قطره

خون یاران دانشجو»- انتشارات نهضت آزادی ایران

7- در سال های قبل از پیروزی انقلاب فعالیت های موازی ارزشمند دیگری نیز در

شهرها و نقاط کشور، از جمله تشکیل کانون نشر حقایق اسلام در مشهد توسط

استاد محمد تقی شریعتی، انجام گرفته است، که منشاء خدمات و آثار گرانب هایی

بودند توضیح و تشریح همه این فعالیت ها از حوصله این مجموعه بیرون است، ولی

باید متذکر شویم که نیاوردن نام آنها در اینجا از ارزش و اثر این فعالیت هانمی کاهد

بدون تردید این بانیان و فعالین در پیشگاه حضرت احدیت ماجور بوده و در سنت

حسنه ای که نهاده اند پاداش خود را از ذات لایزال دریافت نموده و مینمایند

8- شریف امامی هیچگاه در دانشگاه های ایران دانشجو یا استاد نبوده است و

تحصیل کرده عالیه او عبارت از گذراندن يك دوره کار آموزی راه آهن در سوید و در حد

دیپلم فنی بوده است

9- در هیچ حالتی در فشار و اجبار قرار نگیرید

---

<sup>10</sup> - نمل ۱۲۵ به راه پروردگارت با حکمت و پند نیکو دعوت کرده و به بهترین نحو با

آنها برخورد کن

<sup>11</sup> - مزمل ۱۰ بر آنچه که می‌گویند شکبیا باش و به نیکویی آنها را ترك كن

<sup>12</sup> - راه‌های بسوی خدا به تعداد مخلوقات است

<sup>13</sup> - اختلاف میان امت من باعث و یا نتیجه رحمت است

<sup>14</sup> - استاد مطهری «پیرامون انقلاب اسلامی» - انتشارات صدرا، قم

<sup>15</sup> - ۱- سخنان رییس مدرسه تربیت معلم در مورد استادانی که از دانشگاه کنار

گذاشته شده اند جالب توجه است روزنامه اطلاعات ۱۶ ۶ ۶۲

«يك عده كه واقعا معاند هستند نسبت به جمهوری اسلامی ایران، این ها به هیچ

وجه قابل برگشت به دانشگاه‌ها نیستند

عده‌ای دیگر وابسته به فرمانسور در این مقوله بودند، اینها نیز اهداف غربی را

دنبال می‌کنند که به هیچ وجه ادامه خدمت و کمک آنها نیز مقدور نیست این دو گروه

بالا خیلی بعید است که استاد بگیریم اما کسانی هستند که به دلا یلی از جمله غیبت

زیاد مطابق قانون پاکسازی از دانشگاه اخراج شده اند، یعنی مسیله سیاسی خاصی

شرقی یا غربی نداشته اند که انشاء الله این دسته افراد مورد ارزیابی قرار می گیرند تا

آنهاپی را که مجرب هستند برای تدریس در مدرسه تربیت مدرس بکار بگیریم زیرا که

این تعداد افراد از بودجه کشور استفاده کرده اند و درس خوانده اند و درست نیست که

نخواستند باشند به فریاد این ملت برسند»

---

آیا واقعا این استادان از سه دسته معاند، فراماسون و پی نظم تشکیل می شوند و گروه عظیم تری وجود ندارند که بخاطر عدم امنیت شغلی و جو حاکم بر دانشگاه و به جهت نبودن مشی مشخص و کار آزاد را به شغل شریف استادی ترجیح داده اند؟<sup>16</sup> نظرات معاون دانشگاه تهران در مورد عدم موفقیت در جذب استاد نیز جالب

توجه است روزنامه اطلاعات ۱۶ ۶ ۶۲

«و اما برگردیم به مسیله اصلی یعنی چگونگی جذب اساتید، در این مورد باید بگویم که برای جذب استاد اعتقاد بنده این است که با توجه به تجربه ای که در دو سال اخیر در دانشگاه دارم، چندان امیدی به جذب دانشگاهیان و متخصصینی که در خارج در حال زندگی کردن هستند لاقول در شرایط فعلی نیست

و این همه هیات هایی که به خارج سفر می کنند، با وجود هزینه هایی که در اروپا و آمریکا صرف می کنند تا پزشک و متخصص جذب کنند، موفقیت های محدودی داشته اند تعدادی از افرادی که به ایران آمده اند و جذب شده اند، آن دسته از اشخاصی بوده اند که بیش از نیمی از آنها خودشان مایل به خدمت در کشور بوده و احتمالا در آستانه آمدن بوده اند یعنی آنقدر تعهد داشته اند که بیایند ولی تعداد زیادی از آنها یا نیامده اند و یا اگر آمده اند، برگشته اند بخصوص در زمینه جذب پزشک خیلی فعالیت شده است که متاسفانه حداقل موفقیت را داشته ایم چون وقتی به ایران آمده اند حاضر به خدمت در شهرستانها نشد ه اند و در تهران هم سیاست کشور اقتضا نمیکرده که جذب

بشوند

---

بنابراین تعداد خیلی کم از پزشکان خارج از کشور جذب شده اند که نمی خواهیم

آمار بدهم من نظرم این است که اگر بخواهیم مشکل کمبود استاد را حل کنیم راه

حل اینست که سعی کنیم از امکانات موجود حد اکثر بهره‌بری را داشته باشیم و برای

این منظور باید سعی کنیم تسهیلات معنوی و مادی بیشتری را در حال حاضر فراهم

بکنیم»

<sup>17</sup> - رجوع شود به کتاب «مقدمه‌ای بر آزادی در قرآن» - مهندس عبد العلی بازرگان،

انتشارات قلم